

یاسین تفسیر سوره

منبع سئوالات تفسیر سوره یاسین از تفسیر نور آقای حجه الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

سیمای سوره ی یس

این سوره در مکه نازل شده و هشتاد و سه آیه دارد و به نام اولین آی هاش آه از حروف مقطعه است، نامگذاری شده است.

مطالب این سوره بر محور عقاید است و تعلیم آن به فرزندان و هدیه آردن ثواب قرائت آن به مردگان سفارش شده است.

این سوره با گواهی خداوند به رسالت پیامبر اسلام آغاز و با بیان رسالت سه تن از پیامبران الهی ادامه م ییابد.

در بخشی از این سوره، به برخی از آیات عظمت پروردگار در هستی به عنوان نشان ههای توحید اشاره شده و در بخش دیگر، مسائل مربوط به معاد، سؤال و جواب در دادگاه قیامت و ویژگی های بهشت و دوزخ مطرح شده است.

یاد شده است (تفسیر مجمع البیان « قلب قرآن « در روایات از سوره یس به عنوان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

نکته ها:

در میان اقوام و ملل مختلف، رسم است آه آرهای مهم و با ارزش را به نام بزرگی از بزرگان خویش آه مورد احترام و علاقه ی آنهاست، شروع می آند تا آن آر میمون و مبارک گردد و به انجام رسد. البته آنان بر اساس اعتقادات صحیح یا فاسد خویش عمل م یآند. گاهی به نام بت ها و طاغوت ها و گاهی با نام خدا و به دست اولیای خدا، آر را شروع م یآند. چنانکه در جنگ خندق، اولین آلتنگ را رسول خداصلی الله علیه وآله بر زمین زد (بحار، ج ۲۰ ص ۲۱۸

نه تنها در ابتدای قرآن، بلکه « بسم الله . « سر آغاز آتاب الهی است « بسم الله الرحمن الرحيم » قرار « بسم الله « در آغاز تمام آتا بهای آسمانی بوده است. در سر لوحه ی آر و عمل همه ی انبیا داشت. وقتی آشتی حضرت نوح در میان امواج طوفان به راه افتاد، نوح علیه السلام به یاران خود. سوره هود، آیه ۴۱ « (بسم الله مجریها و مرسیها « گفت :سوار شوید آه

یعنی حرآت و توقف این آشتی با نام خداست. حضرت سلیمان علیه السلام نیز وقتی ملکه سبأ. سوره نمل، آیه ۳۰ « (بسم الله الرحمن الرحيم « را به ایمان فراخواند، دعوتنامه خود را با جمل هی آغاز نمود.

مایه برآت آرها و ترک آن موجب نافرجامی است. « بسم الله : « حضرت علی علیه السلام فرمود آنرا نیکو « جودها : « را می نوشت، فرمود « بسم الله « همچنین آن حضرت به شخصی آه جمله ی بنویس (. آنز العمال، ح ۲۹۵۵۸

در شروع هر آری سفارش شده است؛ در خوردن، خوابیدن، نوشتن، « بسم الله « بر زبان آوردن سوارشدن بر مرآب، مسافرت و بسیاری آرهای دیگر. حتی اگر حیوانی بدون نام خدا ذبح شود،

یاسین تفسیر سوره

مصرف گوشت آن حرام است و این رمز آن است آه خوراک انسان های هدف دار و موحد نیز باید جهت الهی داشته باشد.

را فراموش نکن، حتی در نوشتن یک بیت شعر. همچنین « بسم الله » : « در حدیث م یخوانیم را به آودک یاد بدهد، وارد شده است » (بسم الله « روایاتی در پاداش آسی آه اولین بار تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۳

سفارش شده است؟ « بسم الله « سؤال : چرا در شروع هر آری آرم و نشانه ی مسلمانی است و باید همه آراهای او رنگ الهی داشته باشد « بسم الله : « پاسخ همانگونه آه محصولات و آالاهای ساخت یک آارخانه، آرم و علامت آن آارخانه را دارد؛ خواه به صورت جزئی باشد یا آلی. مثلاً یک آارخانه چینی سازی، علامت خود را روی تمام ظروف می زند، خواه ظرفهای بزرگ باشد یا ظرف های کوچک. یا اینکه پرچم هر آشوری هم بر فراز ادارات، مدارس و پادگا نهایی آن آشور است و هم بر فراز آشتی های آن آشور در دریاها و هم بر روی میز اداری آرمندان.

در مستدرک حآم آمده است : روزی معاویه در نماز بسم الله نگفت، مردم به او اعتراض نمودند آه آیه را دزدیدی یا فراموش آردی؟! مستدرک، ج ۳، ص ۲۳۳ ، «أسرقت أم نسیت» امامان معصوم علیهم السلام اصرار داشتند آه در نماز، بسم الله را بلند بگویند. امام باقر علیه را در نماز نمی خواندند و یا جزء سوره نمی شمردند، « بسم الله « السلام در مورد آسانی آه بحار، ج ۸۵ ، ص ۲۰ « سرقوا آرم آیه » : « می فرمود بهترین آیه قرآن را به سرقت بردند.

تاج سوره هاست. تنها « بسم الله : « در تفسیر قرطبی از امام صاد قعلیه السلام نقل شده است در آغاز سوره برآئت) سوره توبه (بسم الله نیامده و این به فرموده حضرت علی علیه السلام به آلمه امان و رحمت است، واعلام برآئت از آقار و مشرآین، با اظهار « بسم الله « خاطر آن است آه محبت و رحمت سازگار نیست) . تفسیر مجمع البیان و فخررازی.

«بسم الله « سیمای

نشانگر رنگ الهی و بیانگر جهت گیری توحیدی است) . امام رضا علیه السلام « بسم الله- « ۱) می فرماید : بسم الله یعنی نشان بندگی خدا را بر خود می نهم . تفسیر نورالثقلین . رمز توحید است و ذآر نام دیگران به جای آن رمز آفر، و قرین آردن نام خدا با نام « بسم الله- « ۲ دیگران، نشانه ی شرک) . نه در آناز نام خدا، نام دیگری را ببریم و نه به جای نام او (. نه فقط ذات او، حتی شروع آار به نام خدا و « سبّح اسم ربك الاعلی « : بلکه نام او نیز از هر شریکی منزّه است . محمدصلی الله علیه وآله ممنوع است . اثبات الهداء، ج ۷، ص ۴۸۲

(رمز بقا و دوام است . زیرا هرچه رنگ خدایی نداشته باشد، فانی است) . آل شیء « بسم الله- « ۳) . سوره قصص، آیه ۸۸ « هالک الا وجهه

رمز عشق به خدا و توآل به اوست . به آسی آه رحمن و رحیم است عشق « بسم الله- « ۴ می ورزیم و آرمان را با توآل به او آغاز م یآنییم، آه بردن نام او سبب جلب رحمت است.

یاسین تفسیر سوره

رمز خروج از تکبر و اظهار عجز به درگاه الهی است « بسم الله - ۵ »

گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است « بسم الله - ۶ »

مایه ی فرار شیطان است. آسی آه خدا را همراه داشت، شیطان در او مؤثر « بسم الله - ۷ » نمی افتد.

عامل قداست یافتن آرها و بیمه آردن آنهاست « بسم الله - ۸ »

ذآر خداست، یعنی آه خدایا من تو را فراموش نکرده ام « بسم الله - ۹ »

بیانگر انگیزه ماست، یعنی خدایا هدفم تو هستی نه مردم، نه طاغو تها و « بسم الله - ۱۰ » جلوه ها و هوس ها.

به اسم اعظم الهی، از سیاهی چشم به سفیدی « بسم الله : ۱۱ - امام رضاعلیه السلام فرمود آن نزدی کتر است) - تفسیر راهنما.

در آغاز سوره، رمز آن است آه مطالب سوره، از مبدأ حق و مظهر « بسم الله الرحمن الرحیم - ۱۲ » رحمت نازل شده است.

در آغاز آتاب، یعنی هدایت تنها با استعانت از او محقق می شود « بسم الله الرحمن الرحیم - ۱۳ » شاید معنای اینکه می گویند : تمام قرآن در سوره حمد، و تمام سوره حمد در بس مالله، و تمام

بسم الله در حرف) باء (خلاصه می شود، این باشد آه آفرینش هستی و هدایت آن، همه به دست

« اقرأ باسم ربك . « اوست . چنانکه رسالت پیامبر آر مصلی الله علیه وآله نیز با نام او آغاز گردید

آلامی آه سخن خدا با مردم وسخن مردم با خدا، با آن شروع می شود « بسم الله - ۱۴ »

« الله الرحمن الرحیم . « ۱۵ - رحمت الهی همچون ذات او ابدی و همیشگی است

، « رحمن » ۱۶ - بیان رحمت الهی در قالب های گوناگون، نشانه ی اصرار بر رحمت است) . هم قالب

« الرحمن الرحیم » « رحیم » هم قالب

در آغاز آتاب، نشانه این باشد آه قرآن جلوه ای از « رحیم » و « رحمن » ۱۷ - شاید آوردن آلمه

الرحمن . « رحمت الهی است، همانگونه آه اصل آفرینش و بعثت جلوه لطف و رحمت اوست

« الرحیم

۱ « آیه

یس « ۱ »

یا، سین .

۲ « آیه

وَأَلْقُرْآنَ الْحَكِيمِ « ۲ »

سوگند به قرآن) محکم و (حکمت آموز .

۳ « آیه

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ « ۳ »

آه همانا تو از پیامبرانی .

۴ « آیه

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ « ۴ »

یاسین تفسیر سوره

آه همانا تو از پیامبرانی بر راه راست هستی.

نکته ها:

نام مبارک پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است (تفسیر مجمع « یس »، به گفت هی روایات البیان).

در بعضی دعاها نیز خدا را با این نام پیامبر قسم میدهیم.

می تواند به معنای ذوالحکمة (دارای حکمت) باشد و یا به معنای محکم، نظیر آیه « حکیم » آلمه

آیات قرآن محکم است « .أحکمت آیاته : « اول سوره هود آه م یفرماید

در برابر انواع تهمتها آه به پیامبر عزیز صلی الله علیه وآله، شاعر، آهمن، ساحر و مجنون

می گفتند، خداوند حکیم با سوگند به قرآن حکمت آمیز بر رسالت پیامبر تأیید می آند.

خداوند نیازی به سوگند ندارد و راز سوگندهای قرآن ممکن است تأیید بر مطلبی خاص و یا

نشان دهنده ی عظمت و اهمیّت آن باشد.

پیام ها:

«والقرآن الحکیم . « ۱-در قرآن مطلب سست و باطل راه ندارد و تمام آن محکم و استوار است

قرآن « (و القرآن الحکیم . « ۲-سوگند به قرآن از سوی خداوند، بیانگر عظمت و قداست آن است

آتاب با عظمت و مقدّسی است آه خداوند به آن سوگند خورده است.)

آنک . « ۳-در برابر هجوم تهمت ها و تضعیف های ناروا، حمایت های صحیح و همه جانبه ضرورت دارد

«لمن المرسلین

لمن . « ۴-مردان خدا در طول تاریخ تنها نیستند و در آثار سایر فرستادگان الهی هستند

آری، رسالت پیامبران در طول تاریخ، جریانی است آه به پیامبر اسلام ختم می شود « .المرسلین

سوره « (ان ربی علی صراط مستقیم : « ۵- راه پیامبر همان راه خداست .در سوره هود می خوانیم

.هود، آیه ۵۶

راه مستقیم، راه خدا و رسول « (آنک...علی صراط مستقیم : « ، در این سوره نیز می خوانیم

اوست.)

ب :مجرى « القرآن الحکیم . « ۶-برای موفقیت سه چیز لازم است :الف :برنامه ای متقن و مستحکم

«صراط مستقیم . « ج :راه و روشی روشن « لمن المرسلین . « و رهبر آگاه

ان الله « ، هم خداوند حکیم است « (القرآن الحکیم . « ۷-اساس مکتب و عقیده باید محکم باشد

.سوره بقره، آیه ۲۰۹ « (عزیز حکیم

یعلّمهم الكتاب . « و هم پیامبر آموزگار حکمت است « القرآن الحکیم « ، هم قرآن حکیم است

.سوره آل عمران، آیه ۱۶۴ « (والحکمة

(

در جستجوی راه مستقیم

راه مستقیم چه راهی است؟ ممکن است هر آس با هر سلیقه، یا پیروی از نیاآن، طاغوت ها یا

وسوسه های شیطان؛ راه خود را درست بداند .ولی حقیقت آدام است؟ راه درست همان دین

درست است آه باید آن را بشناسیم .همان گونه آه صاحب خانه بهتر از دیگران آدرس خانه را

یاسین تفسیر سوره

می دهد، آفریدگار بهتر از دیگران راه مستقیم را نشان می دهد.
دیگران ما را برای خودشان می خواهند، ولی خداوند ما را برای خودمان می خواهد.
دیگران خطا، سهو، محدودیت و هوس دارند و ممکن است راهی را آه نشان م ی دهند اشتباه
باشد، ولی در خداوند خطا، سهو و هوس نیست.
راه مستقیم را هم باید شناخت، هم باید پیمود، هم باید از آن خارج نشد و هم باید دیگران را به آن
راه فراخواند.

انتخاب راه مستقیم هم در فکر است و هم در عمل و گفتار.
هم در آره‌های فردی و شخصی راه درست را باید شناخت هم در آره‌های اجتماعی.
افراط و تفریط، خارج شدن از راه مستقیم است، حتی عبادت حدّ و اندازه دارد.
اسلام برای هر آری راه صحیح را نشان داده است تا جایی آه برای آمک به محرومان) سوره
فرقان، آیه ۶۷

یا بلند و اوتاه آردن صدا هنگام نماز) سوره اسراء، آیه ۱۱۰
«الثناء باآثر مَلَق : « یا مقدار تشویق) نهج البلاغه
و انتقاد، به اعتدال سفارش آرده است .در خوراک و پوشاک و مسکن، در علاقه به افراد یا دنیا، در
قصاص و انتقام حتی در برخورد با مخالفان و دشمنان اسلام به دوری از افراط و تفریط و به اعتدال و
میانه روی فرمان داده است.
در قرآن و روایات، نمون‌های زیادی آمده آه در آنها به جنبه ی اعتدال، تأآید و از افراط و تفریط نهی
شده است .به موارد ذیل توجه آنید:

سوره مریم، آیه ۵۱ « (و آن رسولاً نبیاً » ؛ * پیامبر هم رسالت عمومی دارد
سوره مریم، آیه ۱۵ « (و آن یأمر اهله بالصلوة . « و هم خانواده خویش را دعوت م ی‌آند
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم
و هم زآت را توصیه « اقيموا الصلوة » ؛ * اسلام هم نماز را سفارش م ی‌آند آه ارتباط با خالق است
سوره بقره، آیه ۴۳ « (آتوا الزآه . « می آند آه ارتباط با مردم است
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم
سوره نساء، « (شهداء لله و لو على انفسكم » ؛ * نه محب تنها شما را از گواهی حق منحرف سازد
آیه ۱۳۵

سوره مائده، آیه ۸ « (و لا یجرمنکم شنئان . « و نه دشمن ی‌ها شما را از عدالت دور آند
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم
سوره فتح، آیه « (رحماء بینهم . « و هم جاذبه دارند « أشداء على الكفار » ؛ * مؤمنین هم دافعه دارند
۹.

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم
سوره بقره، آیه « (عملوا الصالحات . « و هم عمل صالح « آمنوا » ؛ * هم ایمان و باور قلبی لازم است
۲۵.

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

یاسین تفسیر سوره

سوره بقره، آیه « (رَبَّنَا افرغ علينا صبراً » ؛ * هم اشک و دعا و درخواست پیروزی از خدا لازم است
۲۵۰.

سوره انفال، آیه ۶۵ « (عشرون صابرون یغلبوا مأتین . » و هم صبوری و پایداری در سختی‌ها
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

شب عاشورا امام حسین علیه السلام هم مناجات می آرد و هم شمشیر تیز می آرد.
* روز عرفه و شب عید قربان، زائر خان هی خدا دعا می خواند و روز عید باید در قربانگاه با خون آشنا
شود.

بحار، ج ۲، ص ۲۷۲ « (الناس مسلطون علی اموالهم » ، * اسلام مالکیت را می پذیرد
، آفی، ج ۵ « (لا ضرر و لا ضرار . » ولی اجازه ضرر زدن به دیگری را نم ی‌دهد و آن را محدود می سازد
ص ۲۸.

آری، اسلام دین یک بعدی نیست آه تنها به جنبه ای توجه آند و جوانب دیگر را فراموش آند،
بلکه در هر آری اعتدال و میانه روی و راه مستقیم را سفارش م ی‌آند.

« ۵ آیه

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ » ۵

قرآن از جانب خداوند غالب مهربان نازل شده است.

« ۲ آیه

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ ءَابَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ » ۶

تا به مردم آن چه را به نیاآانشان هشدار داده شده تو نیز هشدار دهی، پس آنان غافلند.
پیام ها:

۱ - سرچشمه ی نزول قرآن، عزّت و رحمت است و آسی آه به آن تمسک آند به عزّت و رحمت
«تنزیل العزیز الرحیم . » می رسد

«تنزیل العزیز الرحیم . » ۲ - نزول آتا بهای آسمانی، نشانه محبت و مهرورزی خداوند است
او اثری را خلق آرده آه « (تنزیل العزیز الرحیم . » ۳ - نزول آتب آسمانی، نشانه قدرت خداوند است
هیچ آس توان آوردن حتی آیه ای مثل آن را ندارد.)

و اگر « العزیز » ، ۴ - اگر آیات این آتاب را انکار آنید، با قدرت شکس تناپذیر خدا روبرو می شوید
«الرحیم . » سرتسلیم فروآورید، از رحمتش سیراب خواهید شد

«الرحیم لتنذر . » ۵ - هشدارهای قرآن برخاسته از عزّت و رحمت خداست

«تنزیل العزیز الرحیم لتنذر . » ۶ - اساس و پایه تبلیغ و انذار باید تعالیم قرآن باشد

«لتنذر قوماً . » ۷ - انذار یکی از روشهای تبلیغ است آه مبلغان باید با آن آشنا باشند

«لتنذر قوماً . » ۸ - انذار و بیدارآردن انسان، از اهداف بعثت پیامبران است

گرچه با وجود آن باز « (لتنذر...ما انذر آباءهم . » ۹ - انذار و هشدار به مردم، یک سنّت الهی است
هم مردم غافل بمانند.)

هشدار و انذار

در میان تمام علاق هها، علاقه و محبّت انسان نسبت به خود بسیار قوی است و لذا بشر بخش

یاسین تفسیر سوره

مهمی از ثروت و سرمایه و وقت خود را صرف دفاع از خود می آند تا مبدا به او و آنچه متعلق به اوست آسیبی برسد. بودجه های اسلحه، بهداشت، امور امنیتی، ساختن ساختمان های بتونی محکم ضد زلزله، لبا سهای مخصوص، سنگرها، قلعه ها، دژها، ماشین های ضد گلوله، حفاظت ها، حراست ها، گشت های خیابانی، بیابانی، مرزی و منطقه ای، گوش های از تدابیر و برنامه های انسان برای جلوگیری از خطرانی است آه جسم انسان را تهدید می آند. اما خطرانی آه مقام و شخصیت انسان را تهدید می آند بیشتر است. در میان خطرها هر چه خطر مه متر و طولانی تر باشد باید هشدار نسبت به آن جدی تر و با دوام تر باشد.

به علاوه انسان دشمنان نامرئی نیز دارد، مثلاً جهل ها، غفلت ها، هوسها، خودباختگی ها، تمایلات و عشق های ناروا از یکسو و وسوسه های ابلیس و شیطان هایی از جنس و انس از سوی دیگر دشمنان بشر هستند و بهترین هشدار دهندگان انبیا هستند. زیرا پیشرفت های علمی و تکنولوژی، نه از هوسها و غفلت ها و عشق قها جلوگیری آمده است و نه از وسوسه های ابلیسی.

به سراغ عقل برویم تا ببینیم چه می گوید، به یک مثال توجه کنید: فرض کنید هزار نفر برای مقصدی به ماشین های خود سوار می شوند و مسئولین راه و پلیس هشدارهایی می دهند. جمعی از مسافران نیازها و آمک های اولیه را با خود برمی دارند و دیگران دست خالی حرآت می آند. اگر در مسیر راه به آمکهای اولیه نیاز نبود چندان ضرر نکرد. ما فقط مقداری وسائل اضافه از قبیل لاستیک، جک، زنجیر و امثال آن را حمل کرده ایم و این ضرری به جایی نمی زند. ولی اگر در مسیر راه به هر یک از وسائل و آمکهای اولیه نیازمند شدیم، با دست خالی چه خواهیم آرد؟ عقل می گوید باید احتیاط آرد و ابزار و وسائل لازم را با خود حمل آرد، به تذآرات مأموران راهنمایی و پلیس و مسئولین جاده توجه آرد.

بعد این مثال به سراغ موضوع خود برویم: انسان مسیری را طی می آند و آفریدگار از طریق انبیا به مسافران هشدار می دهد آه بعد از مردن، زنده شدن و حساب و بازجوئی و آیفرو پاداشی در آرد است. مسیر خطرناک است شما باید زاد و توشه بردارید، اجناس ممنوع را با خود حمل نکنید، سرعت خود را آنترل نمایید و به تذآرات علمای با تقوی گوش فرادهید.

مردم با شنیدن این پیام ها دو دسته می شوند: گروهی از طریق نماز، با خدا ارتباط دارند و از طریق خمس و زآت و انفاق و صدقه، رابطه خود را با فقرا حفظ می آند و از گناهان و آسب و آرد و لقمه حرام پرهیز آرده و با تقوای خود زاد و توشه و آمک های اولیه را حمل می آند.

گروهی با تکبر و تمسخر، غرق در هوسها به سر می برند و از ایمان به خدا و معاد و انجام وظایف و مسئولیت ها و ادای حقوق محرومان سر باز زده و در برابر توطئه های دشمنان غافلانه زندگی می آند.

آنون ببینیم آه در پایان زندگی چه رخ می دهد. در اینجا ما به افراد منحرف و لابلالی می گوئیم: حتی اگر معاد، قیامت، حساب و آتایی در آرد نباشد، گروه با تقوا آه چند دقیق های نماز خوانده و آمکی به فقرا آرد هاند و در سال چند روزی با روزه گرفتن غذای وسط روز را در مغرب افطار آرد هاند و اگر توانائی داشته به سفر حج رفت هاند، چه ضرری آرده اند. مثال این گروه مانند رانندگانی است آه آمک های اولیه با خود حمل آرده اند ولی در مسیر راه به آن نیاز نداشته اند.

یاسین تفسیر سوره

ولی اگر معاد و برپایی قیامت حقیقی بود) آه به هزار و یک دلیل هست. منحرسانی آه نه ایمان آوردند و نه اهل نماز و زآت و تقوا و اعمال صالح بودند، با دست خالی در برابر دادگاه عدل الهی در آن روز چه خواهند گفت و چه عذری خواهند داشت؟!

بنابراین عقل و بینش صحیح چنین فرمان می دهد. همان گونه آه تمام عقلای دنیا برای مقابله با دشمن فرضی، ارتش و قوای مسلح تشکیل داده و هزین ههایی می آند آه اگر جنگی رخ نداد، آمادگی رزمی ضروری به جانی نمی زند ولی اگر به دفاع نیاز شد و هیچ آمادگی نبود، با دست خالی جز بدبختی نتیج های نخواهد داشت.

به همین دلیل یکی از مه مترین رسالت انبیا هشدار، غفلت زدائی، تذآر، موعظه و ارشاد است و خداوند هیچ قومی را هرگز بدون هشداردهنده نگذاشته است. پس باید در برابر خطرات و هشدارهایی آه انبیا نسبت به آینده نزدیک و دور به ما گوشزد م ی آند جدی باشیم.

« ۷ آیه »

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَی أَتْرِهِمْ فَهَمْ لَا یُؤْمِنُونَ « ۷ »

به یقین فرمان) عذاب به خاطر عملکرد بد آنها (بر بیشتر آنان سزاوار گشته است پس ایشان ایمان نمی آورند.

« ۸ آیه »

إِنَّا جَعَلْنَا فِیْ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهَیْءَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهَمْ مُتَمَحُونَ « ۸ »

به راستی آه ما در گرد نهی آنان غل هایی قرار دادیم، آه تا چانه شان را می پوشاند، در نتیجه سرهای آنان بالا مانده است) و نمی توانند اطراف و پیش پای خود را ببینند. نکته ها:

به معنای سر بالا آردن شتر « قمح البعیر « از « مقمحون « به معنای چانه و « ذقن « جمع « اذقان « است. یعنی همان گونه آه به شتر آب عرضه م ی شود ولی او سر خود را بالا می برد، به این مردم نا اهل نیز در دنیا حق آرائه می شود، اما آنان سر خود را بالا گرفته و در برابر آن سر تعظیم فرود نمی آورند.

سوره « (اذ الاغلال فی اعناقهم « مراد از زدن غل بر گردن آنان، آیفر آخرت آنهاست، نظیر آی هی .غافر، آیه ۷۱

و شاید آن غل ها تجسم همان عقاید خرافی است آه همچون غ لهای سنگین در دنیا بر یضع عنهم اصرهم و الاغلال الئی آنت : « گردنشان است،) نظیر آیه ۱۵۷ اعراف آه می فرماید «.علیهم

از وظایف انبیا برداشتن خرافاتی است آه همچون غ لهای سنگین آنان را به بند آشیده است. آری، انبیا م ی خواهند غل ها را بردارند ولی برخی مردم نمی خواهند.

و لکن حق القول منی لاملئن جهنم من : « به قرینه آیه ۱۳ سوره سجده آه فرمود « القول « مراد از فرمان خداوند در مورد عذاب پیروان شیطان است .، «الجنه و الناس اجمعین پیام ها:

فهم غافلون . « ۱ -آثر مردم غافل، به حق گرایش ندارند و در مقابل انبیا، موضع منفی می گیرند

یاسین تفسیر سوره

«لقد حقّ القول علی آثرهم

«آثرهم... لا یؤمنون . « ۲ - مخالفت اثربیت، نباید مبلغ و رهبر را دلسرد آند

«فهم غافلون - فهم لا یؤمنون . « ۳ - غفلت، زمینه ی آفر است

لا . « ۴ - گرچه خداوند بر گردن آفران غل هایی می نهد، ولی زمینه ی آن را خودشان فراهم کرده اند
«یؤمنون انا جعلنا فی اعناقهم اغلالاً

فی . « ۵ - آسی آه در مقابل دعوت انبیا گردنکشی می آند، محکوم به ذلت و بردگی است
«اعناقهم اغلالاً

«فهی الی الاذقان فهم مقمحون . « ۶ - انسان منهای خدا، یکسونگر است

« ۹ » آیه

وَ جَعَلْنَا مِنْ بَیْنِ اَیْدِیْهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا یُبْصِرُونَ « ۹ »

و پیش روی آنان حائل و سدّی و پشت سرشان نیز حائل و سدّی قرار دادیم، و به طور فراگیر آنان را پوشاندیم، پس هیچ چیز را نمی بینند.

نکته ها:

با این آه قرآن استوار و حکم تأموز است و رسالت پیامبر قطعی و راه دین مستقیم و خداوند قوی و مهربان است، لکن چون آثر مردم، غافل، بی ایمان و گرفتار خرافاتند، از هر سو بروند به سدّی محکم و بن بست برخورد می آند.

سیمای افراد لجوج در این آیات بسیار دقیق و جالب ترسیم شده است:

«فهم لا یؤمنون . « و در نتیجه ایمان نمی آورند « فهم غافلون » ، اولاً: غافل هستند

و همچون شتر چموش از پذیرفتن حقّ « فی اعناقهم اغلالا . « ثانیاً: خرافات آنان را گرفتار آورده است و بر چشمان آنان « سدّا » ، از پیش و پس در محاصره هستند « فهم مقمحون . « سر باز م یزنند پرده ای آویخته شده و نمی بینند.

من خلفهم « آرزوهای طولانی انسان برای آینده و مراد از « من بین ایدیهم سدّا » شاید مراد از غفلت از خلافاکاری های گذشته باشد آه آن آرزوها و غفلت ها دو مانع بزرگ برای دیدن حقّ « سدّا است.

، «فهم غافلون - فهم لا یؤمنون . « در این آیات، دو آیفر در برابر دو انحراف بزرگ قرار گرفته است
«جعلنا فی اعناقهم اغلالاً - جعلنا من بین ایدیهم سدّا»

خداوند برای هدایت انسان، به او فرمان سیر انفسی و آفاقی داده است، اما انسان آفر به خدا، با رفتار خود غ لهایی را ایجاد م یآند آه مانع نگرش به خود و سدهایی را ایجاد آورده آه او را از نگاه به آفاق محروم آورده است.

پیام ها:

و نه از معجزه و استدلالی آه پیش « خلفهم » ، ۱ - غافلان بی ایمان، نه از گذشته عبرت م یگیرند صدها چراغ دارد و ب ی راهه می رود، بگذار تا بیفتد و ببند سزای « (من بین ایدیهم . « روی آنان است خویش.)

«سدّا...سدّا . « ۲ - آفر در بن بست است

یاسین تفسیر سوره

«بین ایدیه‌م سداً و من خلفهم سداً . « ۳ - انسان منکر خدا، میدان مانور محدود دارد
«سداً . « ۴ - در تبلیغ، معقولات را با محسوسات تشبیه کنیم
«فهم لا یبصرون . « ۵ - انسان آفر به خدا، دید محدود و تحلیل سطحی دارد
فهم . « ۶ - اگر آئینه عقل و فطرت را غبار بگیرد، یا واقعیت را نشان نمی دهد یا بد نشان می دهد
«لا یبصرون

«۱۰ آیه

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ « ۱۰ »

بر آنان تفاوتی نمی‌آید آه آنان را بیم دهی یا بیم ندهی، ایمان نمی‌آورند.

«۱۱ آیه

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذَّارَّ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ « ۱۱ »

تنها آسی را می‌توانی (هشدار دهی آه از ذار) قرآن (پیروی آند و در درون و پنهان از خدای رحمان بترسد، پس او را به آمرزش و پاداشی پر ارزش بشارت ده.
نکته‌ها:

اَنَا : « با توجه به آیات دیگر، قرآن است . چنانکه در آیه ی ۹ سوره حجر می‌خوانیم « الذَّارَّ » مراد از
«نحن نزلنا الذَّارَّ و انا له لحافظون

- گروهی از آقار و مشرآن هرگز قابل هدایت نیستند و هشدار پیامبر در مورد آنان بی‌اثر است ۱۰
۲- سوره بقره، آیه ۶ « (انَّ الَّذِیْنَ اَفْرَاوْا عَلَیْهِمْ ء اَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ : « آقار
-سوره اعراف، آیه ۱۹۳ « (سواء علیکم ادعوتموهم ام انتم صامتون : « مشرآین
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

یا ترس از خدا در درون است، یا ترس از خدا در مکان‌های پنهان از « خشی الرحمن بالغیب » مراد از
چشم مردم و یا ترس از خدا به خاطر دادگاه قیامت آه از امور غیبی است.
هرگاه انسان در برابر شخصیتی بزرگ قرار گیرد، هیبت و شوآت او باعث می‌شود آه به انسان
گویند و این با حالت خوف و ترسی آه ناشی از آیفر و عذاب « خشیت » حالی دست دهد آه به آن
باشد، متفاوت است.

پیام‌ها:

بر... « (سواء علیهم . « ۱ - آسی آه راه استفاده از ابزار شناخت را تعطیل کرده، تأثیرپذیری ندارد
سیه دل چه سود خواندن وعظ، نرود میخ آهنین در سنگ.)

سواء . « ۲ - گام اول در تربیت، پذیرش و تماس متربی است و گرنه از مربی آری ساخته نیست
...«علیهم

۳ - حساب اتمام حجت، از حساب تأثیرگذاری سخن و تأثیرپذیری مردم جداست) . با این آه در مورد
سواء . « گروهی، احتمال تأثیر نیست ولی باید پیامبر با آنان اتمام حجت آند و هشدار دهد
...«علیهم

۴ - قرآن، مایه ی ذار است و پیروی از آن، یادآور فراموش شده‌ها و بیدارگر فطرت خفته انسان
«اتبَع الذَّارَّ . « است

یاسین تفسیر سوره

«خشی الرَّحْمَن . « ۵ - رحمت گسترده ی الهی، نباید موجب بی پروایی ما شود
«و خشی الرحمن بالغیب . « ۶ - نشانه ی ایمان و خشیت واقعی، پروا داشتن در نپهان است
«و خشی الرحمن بالغیب . « ۷ - مؤمنان، در پیشگاه خداوند ترسی آمیخته با عظمت (خشیت) دارند
(خداوند رحمان ترسی ندارد، بلکه مؤمن از انجام وظیفه و آوچکی خود در برابر عظمت خدا
می ترسد).

هم خشیت است و هم « خشی الرَّحْمَن « ۸ - بیم و امید در آثار هم لازم است). در جمله
رحمت).

خشی الرَّحْمَن . « ۹ - ترس از خدا در خلوت و درون مهم است، نه در ظاهر و حضور در برابر مردم
«بالغیب

«و خشی الرحمن بالغیب . « ۱۰ - اظهار خشیت و تظاهر به خداترسی مردود است
انما تنذر من اتبع . « ۱۱ - هشدارهای انبیا در آسانی مؤثر است آه گوش شنوا و قلب آماده دارند
«الذَّار

مبلغان « (فبشْره . « و هم امید و بشارت ...» انما تنذر « ، ۱۲ - وظیفه انبیا، هم انذار و هشدار است
دینی نیز باید انذار و تبشیر را با هم داشته باشند).

۱۳ - آسی سزاوار بشارت بهشت است آه تحت تأثیر هشدار پیامبران قرار گرفته و پیرو آن است.
...«تنذر من اتبع الذَّار ..فبشْره»

«الذَّار . « ۱۴ - قرآن، آتاب یاد و یادآوری و درمان غفلت است

«اتبع الذَّار و خشی الرحمن . « ۱۵ - نتیجه پیروی از ذَّار، خشیت الهی است

« ۱۲ آیه

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءِثَارَهُمْ وَآلَ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ « ۱۲
همانا ما مردگان را زنده می کنیم و آن چه را از پیش فرستاد هاند و آثارشان را می نویسیم و هر
چیزی را در) آتاب و (پیشوایی روشن برشمرده ایم.

نکته ها:

آنچه از انسان سرمی زند، در پرونده عمل او ثبت می شود و در قیامت به شکل آتابی در اختیار او
قرار م یگیرد.

در قرآن از سه نوع آتاب نام برده شده است:

.سوره اسراء، آیه ۱۴ « (اقرء آتابک . « الف : آتاب شخصی

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

.سوره جاثیه، آیه ۲۸ « (آل أمة تدعى الى آتابها . « ب : آتاب امت ها

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

.سوره بروج، آیه ۲۲ « (فى لوح محفوظ « ، « آل شىء احصيناه فى امام مبين . « ج : آتاب جامع

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

سوره هود، آیه « (و من قبله آتاب موسى اماما « ، هم به آتاب گفته شده ، «امام « در قرآن آلمه

یاسین تفسیر سوره

سوره بقره، آیه ۱۲۴ « اَنّی جاعلک للنّاس اماما . » و هم به اشخاص معرفی « امام مبین » در روایات، حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام به عنوان یکی از مصادیق شده آه هم هی علوم در نزد اوست (تفسیر نورالثقلین .
« اَمّ الکتاب » را لوح محفوظ دانسته اند آه در قرآن به آن « امام مبین » بیشتر مفسرین مراد از (سوره زخرف، آیه ۴)
گفته شده است و از آن جایی آه این آتاب دربرگیرنده تمام دانستنی ها است و همه چیز و همه گفته اند (تفسیر راهنما « امام » آس تابع مقدراتی است آه در آن نوشته شده، به آن پیام ها:
« اَنَا نَحْنُ نُحَى . » ۱- در برابر عقاید انحرافی و انکارآمیز آفران، با صراحت و قاطعیّت سخن بگویند و زنده شدن مردگان به دست خدای « نَحَى الْمَوْتَى . » ۲- همه مردگان در قیامت زنده می شوند حیّ قیوم است.
« نکتب ... و آثارهم . » ۳- پروند هی عمل انسان، حتّی پس از مرگ او تا قیامت باز است نکتب ما . « ۴- نه فقط اعمال، بلکه همه آثار آن نیز ثبت می شود و در حساب قیامت لحاظ می گردد خواه آثار خیر نظیر وقف و صدقه جاریه و آموختن علم به مردم و ... یا آثار شرّ مثل « قدّموا و آثارهم تأسیس مراآز گناه.)
« قدّموا . » ۵- گزارش عملکرد ما زودتر از خود ما به قیامت می رسد
« اَنَا، نَحْنُ، نَحَى، نکتب، احصینا . » ۶- سر و آار ما در قیامت با خداست
« و آثارهم . » ۷- انسان، تنها ضامن اعمال خود نیست، بلکه مسئول پیامدهای آن نیز هست
« آلّ شیء احصیناه . » ۸- دستگاه محاسباتی خداوند دقیق و فراگیر است
« آلّ شیء . » ۹- تمام موجودات تحت نظر هستند و همه چیز و هر آاری به وضوح ضبط می شود
« احصیناه

ثب آثار

یعنی نه تنها ما اعمال بندگان بلکه آثاری را آه آن عمل « نکتب ماقدّموا و آثارهم : « قرآن م یفرماید نیز به دنبال دارد ثبت م یآنینم برای توضیح مطلب، مثالی را بیان م یآنم:
اگر بی ادبی وارد مجلس عروسی شد و برق را قطع آرد و در تاریکی حوادثی رخ داد مثلاً افرادی از پله ها افتادند، ظر فها شکسته و آفش ها گم شد، آودآان ترسیدند، افرادی سوء استفاده آردند، مجلس بهم ریخت و بستگان عروس و داماد از مهمانان شرمنده شدند، اینها همه آثار یک عمل ساده خاموش آردن برق است . در این ماجرا با دستگیری فرد خطاآار آیا نباید در محآآمّه تمام مفاسدی آه در آن تاریکی رخ داده است به حساب او بیاورند؟
این مثال برای آثار سوء عمل بود، به یک مثال دیگر در مورد آثار خوبی ها توجه آنید:
از زبان یک مرد و یک زن صادر شده است؛ یکی « نکشید » « لاتقتلوا » در قرآن دو آلمه در قالب سوره قصص، آیه « (لاتقتلوه : « همسر فرعون بود آه دید شوهرش قصد آشتن موسی را دارد، گفت
۹.
و با این بیان و نهی از منکر، موسی را نجات داد . آثار این زنده ماندن این شد آه موسی پیامبر

یاسین تفسیر سوره

بزرگواری شد و بنی اسرائیل را از شرّ فرعون نجات داد) این آثار خوب عملی از یک بانو. مورد دیگر زمانی بود آه برادران یوسف قصد آشتن یوسف را داشتند. یکی از برادران آنان را نهی و جلو آشته شدن یوسف را گرفت و آنان یوسف را در چاه گذاردند. زنده ماندن « لا تقتلوا » با گفتن یوسف، آثاری داشت و آن اینکه در آینده یوسف به حکومت رسید و با تدبیر و برنامه ای ماهرانه جامعه را از قحطی نجات داد (این آثار خوب از یک نهی از منکر نیز ثبت می شود.)
« نکتب ما قدموا و آثارهم : » و این همان چیزی است آه قرآن می فرماید

« ۱۳ آیه »

وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا اَصْحَابِ الْقَرْيَةِ اِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ « ۱۳ »

برای آنها اصحاب قریه را مثال بزن آه فرستادگان خدا به سوی آنها آمدند.

نکته ها:

از این آیه تا هفده آی هی دیگر سرگذشت تعدادی از انبیا نقل شده آه مأمور هدایت مردم منطقه ی خود بودند.

در این آیه، منطقه انطاآیه است آه از شهرهای قدیم روم « قریه » در تفاسیر گفت هاند آه مراد از بوده و هم آنون جزو خاک ترآیه و از شهرهای تجاری آن م ی باشد.

از مجموع این هجده آیه بر می آید آه مردم این شهر بت پرست بودند و پیامبران برای دعوت آنها به توحید و مبارزه با شرک آمده بودند.

پیام ها:

« واضرب لهم . ۱ - یکی از وظایف انبیا، بازگو آردن سرگذشت پیشینیان است

بیان سرنوشت مردمان «) واضرب لهم . ۲ - تاریخ گذشتگان، بهترین درس برای آیندگان است گذشته، عامل عبرتی برای منحرفان و مایه ی دلگرمی خداپرستان است.)

« واضرب لهم . ۳ - مری و مبلغ باید با تاریخ آشنا باشد و آن را بکار بندد

۴ - بر جامعه، اصول و قوانین ثابتی حاآم است آه سرنوشت انسان ها و جوامع را بر اساس آن می توان تعیین نمود . آری، سنّت های الهی ثابت است و با تفاوت اقوام، افراد، زمان و مکان، تفاوتی « واضرب لهم مثلاً . » نمی آند

« واضرب لهم مثلاً اصحاب القرية . ۵ - بهترین مثال، ماثلهای واقعی و عینی است نه تخیلی

اصحاب . « ۶ - در بیان داستان، عبرت ها مهم است، نام قریه، نژاد، زبان و تعداد افراد مهم نیست
« القرية »

« جاءها المرسلون . ۷ - انبیا به سراغ مردم م ی رفتند و منتظر نبودند تا مردم به سراغ آنان بیایند

« ۱۴ آیه »

اِذْ اَرْسَلْنَا اِلَيْهِمْ اَنْبِيَانًا فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِتَالِثٍ فَقَالُوا اِنَّا اِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ « ۱۴ »

آن گاه آه دو نفر) از پیامبران خود (را به سوی آنان فرستادیم، پس تکذیبشان آردند، سپس با شخص سوّمی) آن دو را (پشتیبانی آردیم، پس گفتند : همانا ما) از طرف خدا (به سوی شما فرستاده شده ایم.

« ۱۵ آیه »

یاسین تفسیر سوره

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ « ۱۵ »
آقا گفتند: شما جز بشری مثل ما نیستید و خدای رحمان چیزی (بر شما) نازل نکرده است،
شما در این ادعا جز دروغ نمی‌گویید.

« ۱۶ آیه

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ « ۱۶ »
پیامبران گفتند: پروردگار ما می‌داند آه ما به سوی شما فرستاده شد هائیم.

« ۱۷ آیه

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ « ۱۷ »
و بر ما، جز تبلیغ آشکار و روشن، وظیفه‌ای دیگری نیست.
نکته‌ها:

برخی انسا نها به وجود خدا اعتقاد دارند، ولی مسأله‌ی نبوت را نمی‌پذیرند و می‌گویند خداوند
به ما عقل داده و نیازی به وحی نداریم. این اعتقاد ناشی از عدم شناخت صحیح خداست، چنانکه
در آی‌های دیگر می‌فرماید:

سوره انعام، آیه ۹۱ « (و ما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله على بشر من شيء »
آسانی آه گفتند خداوند آتایی را بر هیچ بشری نازل نکرده، خدا را آنگونه آه باید نشناختند.
پیام‌ها:

ارسلنا... اثنین فعزنا . « ۱ - گاهی باید دعوت به حق و امر به معروف به صورت گروهی باشد
« بثالث

« آذبوهما .) « ۲ - لجاجت، درد بی درمان است). حتی انبیا را تکذیب آردند
فكذبوهما فعزنا . « ۳ - با تکذیب دشمن، دست از آار و هدف نکشید، نفرات خود را تقویت آنید
« بثالث

« اثنین .. بثالث . « ۴ - گاهی چند پیامبر، هم زمان به سوی یک قوم اعزام می‌شدند
شاخص در امر به « (ارسلنا اليهم اثنين فعزنا بثالث . « ۵ - تعداد مبلغان، به نیاز جامعه بستگی دارد
معروف نتیجه است، برای رسیدن به نتیجه باید عوامل تبلیغی زیادتر شوند).

۶ - در مدیریت، وقتی آسی را به مأموریتی می‌فرستیم رهائش نکنیم و او را پشتیبانی و تقویت
« فعزنا بثالث . « آنیم

« فعزنا بثالث . « ۷ - آثرت افراد لایق، سبب عزت است

« فكذبوهما فعزنا بثالث . « ۸ - برنامه ریزان و مدیران فرهنگی باید در جریان بازتاب اعزام ها باشند
« فعزنا . « ۹ - عزت و ذلت به دست خداست، گرچه فرد یا چیزی واسطه شود
« بثالث . « ۱۰ - در مدیریت، همیشه نیروی ذخیره داشته باشیم

۱۱ - آقا، عقل و اندیشه خود و آمالات پیامبران را نادیده گرفته و همه چیز را با دید ظاهری
« بشر مثلنا . « می‌نگرند

۱۲ - بعضی، تکلیف و امر و نهی را مخالف رحمت الهی م‌یدانند و گمان می‌آندد معنای رحمت،
« ما انزل الرحمن من شيء . « آزادی ب‌ی‌قید و شرط و رها بودن انسان است

یاسین تفسیر سوره

...«رَبَّنَا يَعْلَمُ . « ۱۳ - در برابر انکارهای پی در پی دشمن، دل خود را با یاد خدا آرامش دهیم و ما علینا الآ . « ۱۴ - وظیف هی انبیا، روشنگری و تبلیغ آگاهی بخش است و ضامن نتیجه نیستند «البلاغ

«البلاغ المبین . « ۱۵ - تبلیغ باید روشن و روشنگر باشد

« ۱۸ آیه

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ « ۱۸ »
(آقار به انبیا (گفتند: ما) حضور (شما را به فال بد گرفت هایم) وجود شما شوم است و مایه ی بدبختی ما (و اگر از حرفتان دست بر ندارید قطعاً شما را طرد و سنگسار خواهیم آرد و از طرف ما عذاب دردناکی به شما خواهد رسید.

« ۱۹ آیه

قَالُوا طَائِرُ آم مَعَكُمْ أَيْنَ ذُرِّيَّتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ « ۱۹ »
(انبیا در پاسخ (گفتند): اگر شومی و نکبتی وجود دارد (شومی شما از) عملکرد (خود شماست، آیا اگر پند داده شدید) باید فال بد بزنید؟) بلکه شما قومی اسرافکارید.
نکته ها:

فال بد یکی از خرافاتی است آه در قدیم بوده و امروزه نیز در شرق و غرب هست و هر منطقه و ، بحار، ج ۵۵ « (الطیره شرک « قومی به چیزی فال بد م یزنند .اسلام آن را شرک دانسته و با جمله ص ۳۲۲

« آقاره الطیره التوال . « بر آن خط بطلان آشیده و جایگزین آن را توأل بر خداوند دانسته است (آفی، ج ۸، ص ۱۹۸

فال بد آثار شومی دارد، از جمله :سوء ظن به افراد، رأود در آرها، تلقین شکست و احساس حقارت .بدترین آن، فال بد به مقدّسات و اولیای الهی است.
پیام ها:

قالوا انا تطيّرنا بكم، . « ۱ -در برابر هر سخن انحرافی باید شجاعانه پاسخی روشن عرضه داشت «قالوا طائر آم معكم

از حربه های آقار است . «لنرجمنکم « و تهدید « تطيّرنا بكم « تحقیر ، «فكذبوهما « ۲ -تکذیب « تطيّرنا بكم . « ۳ -فال بد، از آداب و رسوم جاهلی است

« تطيّرنا بكم . « ۴ -آسی آه منطق ندارد به خرافات متوسّل م ی شود

« تطيّرنا بكم ...لنرجمنکم . « ۵ - انحراف فکری مقدّمه ی انحراف عملی است

«لنرجمنکم . « ۶ -آفر، مایه ی سنگدلی و جسارت به انبیا است

۷ -آقار آه در برابر منطق و روش پیامبران منطقی ندارند، پس از تکذیب، دست به تهدید م یزنند. ...«لنرجمنکم و «

«ذآرتم . « ۸ - آر انبیا، غفلت زدایی و توجّه دادن مردم به فطرت سالم است

«بل انتم قوم مسرفون . « ۹ -یکی از جلو ههای اسراف، سرآشی و طغیان است

«بل انتم قوم مسرفون . « ۱۰ - ریش هی بدبختی ها طغیان و اسراف است، نه ایمان به خدا و پیامبران

یاسین تفسیر سوره

فال بد

یعنی فال بد زدن آه نوعی خرافه است « .طیره »
فال بد، سوءظن و بدگمانی است آه هیچ پشتوانه عقلی ندارد و در حدیث نوعی شرک و آفر
میزان الحکمه « .خوانده شده است) .الطیره شرک
از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده است :آسانی آه به این نوع فال گرفتارند از ما
میزان الحکمه « .نیستند) .لیس منّا من تطیر
فال بد، وسیله دلسردی و افسردگی است .بیشتر گرفتاران این مرض، افراد ترسو وضعیفی
هستند آه به خدا توآل ندارند .
در حدیث م یخوانیم آه فال بد را با توآل بر خدا جبران آید و هرگاه به آن گرفتار شدید با دلگرمی
به آر خود ادامه دهید) .میزان الحکمه .
در مقابل فال بد، فال نیک است آه سبب امید و دلگرمی است و پیامبرصلی الله علیه وآله فال
خوب را دوست م یداشت) .بحار، ج ۷۷ ، ص ۱۵۳
از آنجا آه فال بد از قدیم الایام در میان بسیاری از اقوام به عنوان یک خرافه بوده و آنون نیز وجود
دارد، چند آلم های درباره خرافات بیان می آیم .

خطر خرافات

سوره آل عمران، آیه ۱۸۱ « (ان الله فقیر - « خرافات م یتواند در عقیده و توحید انسان اثر گذارد
آیست آه به خداوند قرض بدهد تا خداوند به او پاداش چند برابر عنایت : « همین آه آیه نازل شد
جمعی) به جای آنکه بگویند تعبیر به قرض گرفتن نوعی تشویق برای انفاق مردم است (، «آند
گفتند :خداوند فقیر است و به وام گرفتن از ما نیاز دارد .
فرشته ها هم از تیر رس خرافات بشر دور نماندند، زیرا مردم جاهلیت آنها را دختران خدا
می پنداشتند .
عبادت هم با خرافات توأم گشت تا آنجا آه در آثار آعبه به جای نماز آف م یزدند و سوت
می آشیدند) .سوره انفال، آیه ۳
نسل بشر در طول تاریخ به خاطر خرافات، بسیار تاوان داده است .زمانی دختران را زنده بگور
می آردند و چه خانواده ههایی به خاطر خراف هها از هم پاشیده شده است .
خرافات در بستر جهل، نادانی، تلقین، آداب و رسوم غلط، افکار نابجای نیاآن، تبلیغات دروغین،
توطئه استعمارگران و رندان، سادگی مردم، دور بودن از علمای ربّانی و نداشتن تکیه گاه اعتقادی
رشد م یآند .
یکی از وظایف انبیا برداشتن خرافات است آه افکار مردم را همچون غل و زنجیر قفل آرده است) .
سوره اعراف، آیه ۱۵۷
اگر خرافات به نام دین باشد، نوعی بدعت است آه در حدیث می خوانیم :احترام به بدعت گذار،
اقدام به تخریب و نابودی اسلام است) .بحار، ج ۷۲ ، ص ۲۶۵

وظیفه ما چیست؟

هرگاه با مسئله، فکر، شعار، پیشنهاد یا عادت و رسومی برخورد آردیم، آن را از طریق دانشمندان

یاسین تفسیر سوره

باتقوا و بی هوس، با قرآن و حدیث و عقل و علم و تجربه بسنجیم.
در حدیث م یخوانیم: از آنجا آه روایات غلطی را به ما (معصومین) نسبت می دهند، آنچه را به نام حدیث از ما شنیدید، اگر موافق با قرآن بود بپذیرید و اگر مخالف آن بود، آن را به شدت رد کنید).
بحار، ج ۲، ص ۲۳۵
بارها قرآن دستور داده آه از لغو دوری کنید (سوره مؤمنون، آیه ۳ و اگر در جلس های سخن یاهو ای شنیدید، به عنوان اعتراض جلسه را ترک کنید) .سوره انعام، آیه ۶۸.

اگر ستایش نابجا شنیدید، عک سالعمل نشان دهید. همان گونه آه پیامبر صلی الله علیه و آله در مرگ فرزند دو سال هاش) ابراهیم (به منبر رفت و فرمود: شنیده ام می گوئید خورشید گرفتگی امروز، به خاطر مرگ فرزند من بود! بدانید خورشید و ماه از نشانه های قدرت الهی است آه در مداری آه خداوند برای آنها قرار داده در حرآتند و به خاطر مرگ و زندگی آسی تغییر مسیر نمی دهند).
آلفی، ج ۳، ص ۲۰۸

امروزه نیز برخی عدد ۱۳ را خوب نم یدانند و از آر در این روز پرهیز می آند، در حالی آه حضرت علی علیه السلام در سیزدهم رجب به دنیا آمد و این عدد با سایر اعداد تفاوتی ندارد.
اگر یک نگاه آرشناسانه به خرافاتی آه در جامعه بشری وجود دارد داشته باشیم، خواهیم فهمید چه بودجه ها و عمرهایی بیهوده صرف م ی شود و چه خانواد همایی در اثر چه این ههای متلاشی شده اند. هر ساله جمعی از جوانان ما به خاطر مراسم چهارشنبه سوری، چشم و دیگر اعضای خود و احیاناً جان خود را از دست م ی دهند.

« ۲۰ آیه

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ « ۲۰ »
و از دورترین منطقه شهر، مردی با شتاب آمد) و (گفت: ای قوم من! از این انبیا پیروی کنید.

« ۲۱ آیه

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ « ۲۱ »
از آسانی آه پاداشی از شما درخواست نم ی آند و خود هدایت یافته اند پیروی کنید.
نکته ها:

می خواند. شاید « المدينة » معرفی آرده و این آیه، آن را « القرية » آیه ۱۳، محل حضور پیامبران را بتوان گفت: مدنیّت و رشد جوامع از دیدگاه قرآن، بستگی به ایمان مردم دارد؛ شهری آه شهروندانش آفر باشند، روستاست و روستایی آه حتّی یک مؤمن در آن حضور یابد، رشد یافته و شهر می شود.

پیام ها:

« و جاء من أقصا المدينة رجل . « ۱ - دور بودن از مرآز شهر، نشانه دوری از فرهنگ نیست
« جاء من أقصا المدينة رجل . « ۲ - حمایت از حق، مرز و منطقه ندارد
حضرت علی علیه « جاء من أقصا المدينة رجل . « ۳ - گاهی یک تنه باید حرآت آرد و فریاد آشید
السلام می فرماید: در راه حق از اندک بودن پیروان نهراسید (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱

یاسین تفسیر سوره

«أقصا المدينة . « ۴ - برای حمایت از حق، طولانی بودن راه نباید مانع باشد
«رجل . « ۵ - طرفداری از حق، انگیزه و سوز لازم دارد نه نشان و عنوان
«رجل یسعی . « ۶ - اگر جان مردان خدا را در خطر دیدیم باید با شتاب برای کمک اقدام کنیم
«رجل یسعی . « ۷ - پیامبران، حامیان پرشور و جسور نیز داشت هاند
«قال یا قوم . « ۸ - مؤمن، عاشق هدایت مردم است و از گمراهی آنان رنج می برد
۹ - شکستن سکوت و فریاد زدن در محیطهای انحرافی برای حمایت از رهبری حق مورد ستایش
«قال یا قوم . « خداوند است
یسعی - یا قوم - هم . « ۱۰ - حمایت از حق، باید با شدت، سرعت، منطق و عاطفه همراه باشد
«مهندون

منادیان حق نباید از « اتبعوا من لا یستلکم أجراً . « ۱۱ - اخلاص در تبلیغ، شرط جذب مردم است
مردم مزدی بخواهند.
ذات نیافته از هستی بخش، آی « (اتبعوا ...مهندون . « ۱۲ - هدایت گر باید خود هدایت شده باشد
تواند آه شود هستی باشد)
«اتبعوا من لا یستلکم أجراً . « ۱۳ - از عالم بی‌هوس باید پیروی و تبعیت آرد

سیمای امر به معروف

*امر به معروف، نشان هی عشق انسان به مکتب است.
*امر به معروف، نشانه ی عشق انسان به مردم است.
*امر به معروف، نشانه ی تعهد و سوز و علاق هی انسان به سلامتی جامعه است.
*امر به معروف، نشان هی تولی و تبری است.
*امر به معروف، نشان هی آزادی در جامعه است.
*امر به معروف، نشان هی ارتباط میان آحاد مردم است.
*امر به معروف، نشانه ی فطرت بیدار است.
*امر به معروف، حضور و غیاب واجبات است ؛ چرا نماز نخواندی؟ چرا روزه نگرفتی؟
*امر به معروف، ضامن اجرای تمام واجبات و نهی از منکر، ضامن ترک همه محرمات است.
*امر به معروف، تشویق نیکوآاران در جامعه است.
*امر به معروف، تذآر و آگاه آردن افراد جاهل است.
*نهی از منکر، تلخ آردن آم خلافکاران است.
*امر به معروف و نهی از منکر، گاز و ترمزی است آه ماشین جامعه را هدایت م ی‌آند.
*امر به معروف و نهی از منکر والدین است آه اساس تربیت آودک را تشکیل می دهد.
*امر به معروف، سبب دلگرمی و تقویت افراد آم اراده می شود.
*امر به معروف، نشان هی حضور در صحنه است.
*امر به معروف، مقام و حقی است آه خداوند به اهل ایمان داده تا بر اعمال یکدیگر نظارت داشته باشند.
*امر به معروف و نهی از منکر، جبران آنند هی آمبود تقوای بعضی از افراد جامعه است.

یاسین تفسیر سوره

* امر به معروف، جامعه را رشد می‌دهد و نهی از منکر، جامعه را از سقوط نجات می‌دهد.

* امر به معروف، حافظ مرزها و حقوق افراد است.

* امر به معروف، نشانه پویایی است و جامع‌هی بی‌فریاد، جامعه‌ای مرده است و افراد سآت، جماداتی متنفس بیش نیستند.

* امر به معروف و نهی از منکر، نشان‌هی غیرت دینی، احساس مسئولیت و مشکلات مردم را مشکلات خود دانستن است.

* امر به معروف و نهی از منکر، نوعی بازداشتگاه و قرنطینه‌ی روحی در برابر عیب‌ها و گناهان مَسری است.

* امر به معروف و نهی از منکر، نوعی انضباط اجتماعی است؛ یعنی محدود آردن تمایلات اشخاص در برابر مصالح جامعه؛ در واقع نوعی کنترل افراد لابلالی است.

* امر به معروف و نهی از منکر، نشان‌هی رشد است. حضرت لوط در برابر گروه گناهکار پرسید: آیا سوره هود، «در میان شما یک نفر رشید هست تا مانع این آرز شما شود؟» آلیس منکم رَجُلٌ رَشید . آیه ۷۸

* با امر به معروف و نهی از منکر، مسائل داخلی جامعه حل می‌شود و می‌تواند با دشمنان خارجی مقابله آند.

در اهمیت امر به معروف همین بس آه علما به دلیل ارتباط قلبی انسان با آن (یعنی تنفر قلبی از منکر)، آن را در اصول دین؛ و به دلیل برخوردهای عملی و اینکه یکی از واجبات است، آن را در ردیف فروع دین مطرح آرد هاند.

شهید ثانی می‌فرماید: آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر آنقدر زیاد است آه امر را می‌شکند (گفتار ماه، ص ۸۰)

همین امروز اگر یک ابر قدرت یا قلدری آه منطقه‌ای را بمباران می‌آند و بزرگ‌ترین منکرات را انجام می‌دهد، خود را در برابر فریاد همه‌ی آشورها ببیند، هرگز دست به این جنایات نمی‌زند. سکوت جوامع بین‌المللی و ترس سردمداران و بی‌تفاوتی و بی‌خبری تود ههای مردم سبب شده است آه مستکبران جهانی در برابر بزرگ‌ترین منکرات خود هیچ احساس خطری نکنند.

اگر آرخان‌های نیاز به بازرسی و نظارت مهندسان متخصص دارد، جامع‌هی بشری هم نیاز به نظارت و بازرسی دانشمندان اسلام شناس دارد.

در حدیث م‌ی‌خوانیم: بهترین دوست آن است آه هنگام خلاف، مانع تو شود و بدترین دوست آن است آه به تو تذآر ندهد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: بهترین دوست من آسی است آه . عیب‌های مرا به من هدیه آند (آافی، ج ۲، ص ۶۳۹)

یعنی از خودش حساب پس « مؤمن همیشه مراقب آرزهای خود است : » در روایات م‌ی‌خوانیم می‌گیرد.

آری ! اگر ما از درون مراقب خود باشیم و مردم از برون مراقب ما باشند و در رأس، نظامی سیاسی و حکومتی مشوق خوب‌ی‌ها و مانع بدی‌ها باشد، بهترین امت خواهیم بود.

« أَنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ » : قرآن م‌ی‌فرماید

یاسین تفسیر سوره

(سوره آل عمران، آیه ۱۱۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«۲۲ آیه»

وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ «۲۲»

و چیست مرا آه نپرستم آنکه مرا آفریده است و همگی به سوی او بازگشت داده م ی شوید.

«۲۳ آیه»

أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنْهُمْ شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً وَلَا يُنْقِذُونَ «۲۳»

آیا به جای او خدایانی را برگزینم آه اگر خداوند رحمان اراده ی گزندی به من نماید، شفاعت آنها

آترین سودی برای من ندارد و مرا نمی رهانند؟

«۲۴ آیه»

إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ «۲۴»

در این صورت من در گمراهی آشکاری خواهم بود.

«۲۵ آیه»

إِنِّي ءَامَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ «۲۵»

(ای مردم! بدانید (من به پروردگارتان ایمان آوردم، پس) شما نیز سخن مرا (بشنوید) و ایمان آورید.

«۲۶ آیه»

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ «۲۶»

(سرانجام او را شهید آردند (به او گفته شد: به بهشت وارد شو. گفت: ای آتش قوم من

می دانستند.

«۲۷ آیه»

بِمَا عَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ «۲۷»

آه پروردگارم مرا بخشید و از گرامی داشتگان قرارم داد.

نکته ها:

بر اساس روایات، فردی آه برای حمایت از فرستادگان الهی به شهر انطاآیه آمد، حبیب نجار بود نیز تعبیر شده و سرانجام در این راه به شهادت رسید و در ردیف مؤمن آل « صاحب یس « آه از او به فرعون آه به حمایت حضرت موسی برخاست، شمرده شده است (تفاسیر مجمع البیان و نورالثقلین.

امروزه شهر انطاآیه آه میان حلب و اسکندریه واقع است و جزو خاک ترآیه م ی باشد، پس از

دومین شهر مورد توجه مسیحیان است « بیت المقدس »

پیام ها:

«و مالی لا اعبد . « ۱-آسانی آه در برابر آفریدگار خود بندگی نکنند، در دادگاه وجدان محکومند

«و مالی لا اعبد . « ۲-یکی از شیوه های امر به معروف، مخاطب قرار دادن خود است

و . « ۳-اعراض از خدا و شر کورزی جای انتقاد و سؤال دارد، نه توحید و خداپرستی آه فطری است

«مالی لا اعبد الذی فطرنی

یاسین تفسیر سوره

- ...«مالی لا اعبد الا ذی . « ۴ - یکی از راه های دعوت دیگران، بیان اعتقادات منطقی خود است
«الذی فطرنی . « ۵ - یکی از فلسفه های عبادت، تشکر از ولی نعمت است
آسی « (فطرنی و الیه ترجعون . « ۶ - توجّه به مبدأ و معاد، سرچشمه ی توحید و بندگی است
شایسته پرستش است آه آفرینش جهان و اداره آردن و بازگشت آن به دست اوست)
«الیه ترجعون . « ۷ - مرگ پایان زندگی نیست، بازگشت به سوی خداست
۸ - مقایسه، از بهترین راههای آموزش است . خدا مرا آفریده، ولی بت ها برایم ذره ای فایده ندارند.
«فطرنی - لا تغن عنی شفاعتهم»
«من دونه ... لا تغن . « ۹ - از غیر خدا هیچ آاری ساخته نیست
این بردن الرحمن . « ۱۰ - سختی هایی را آه انسان م ی بیند، با اراده خداوند و در مدار رحمت اوست
«بضّر»
۱۱ - برای توجّه به خداوند، آفی است شرایط سخت و فوق العاده را در پیش خود مجسم سازیم.
«این بردن الرحمن بضّر»
...«این بردن الرحمن بضّر . « ۱۲ - برای جریحه دار نکردن عواطف مردم، از خود مثال بزینم
۱۳ - گاهی گمراه یها عامل مخفی و پنهانی ندارد، بلکه ضلال مبین است مانند ب تپرستی .
«ضلال مبین»
«ضلال مبین . « ۱۴ - در مقابل ضلال مبین، بلاغ مبین و دعوت آشکار لازم است
«آئی آمنت . « ۱۵ - بهترین راه دعوت، عمل است
قیل ادخل . « ۱۶ - شهادت در راه حمایت از رهبران آسمانی و امر به معروف سابقه بس طولانی دارد
«الجنّة»
«قیل ادخل الجنّة . « ۱۷ - میان شهادت و بهشت فاصل های نیست
یا لیت قومی . « ۱۸ - مردان خدا حتی بعد از مرگ و شهادت نیز در فکر هدایت مردم هستند
«یعلمون»
«قیل ادخل الجنّة . « ۱۹ - حیات و بهشت برزخی قبل از بهشت موعود است
«بما غفر لی . « ۲۰ - شهادت سبب مغفرت است
ابتدا خدا انسان « (غفر لی ربّی و جعلنی من المکرمین . « ۲۱ - ابتدا گذشت و مغفرت سپس آرامت
را می بخشد آنگاه او را در جوار رحمت خود جای می دهد.)

« ۲۸ آیه

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِن جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا أَنَا مُنْزِلِينَ « ۲۸ »
و ما بعد از شهادت آن مرد خدا (هیچ لشگری از آسمان برای هلاک قوم او نفرستادیم و اصولاً
سنت ما قبل از این هم چنین نبود) آه برای عذاب اهل زمین سپاهی از آسمان نفرستیم.)

« ۲۹ آیه

إِن أَنْتَ إِلَّا صَيْحَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ « ۲۹ »
تنها یک صیحه) آسمانی، صیحه ای تکان دهنده و مرگبار آه (ناگهان همگی خاموش شدند.

نکته ها:

یاسین تفسیر سوره

در آیات قبل ماجرای مردی بیان شد آه به تنهایی به حمایت از پیامبران الهی قیام آرد و فریاد زد و در این راه شهید شد. این آیه در مقام بیان هلاکت آقار سرسختی است آه انبیا را تکذیب آردند و این مرد خدا را آشتند.

یعنی خاموش شدن شعله آتش و در اینجا مراد هلاکت و مردن است « .خمود « از » خامد » پیام ها:

ما . « ۱ -فرشتگان، مأموران قهر یا مهر الهی هستند و فرود آمدن یا نیامدن آنها به امر خداوند است «انزلنا ...جند من السماء

«صیحه واحد . « ۲ -قهر الهی ناگهانی است، غافل نباشیم

۳ -گاهی به خاطر تکذیب و ریختن خون یک مؤمن بی گناه و یک مجاهد و مبلغ دینی، مردم یک آنها علاوه بر تکذیب و آشتن یک مؤمن، چند پیامبر را نیز « (هم خامدون . « منطقه نابود می شوند آشته بودند).

لنرجمنکم و لیمسنکم منا عذاب « ، ۴ -قدرت هایی آه دیروز صالحان را شکنجه آرده و م ی آشتند «هم خامدون . « امروز با یک صیحه نابود شدند « الیم

«فاذا هم خامدون . « ۵ - با اراده خداوند به یکباره تمام هیاهوها و عربد هآشی ها خاموش م ی شود « ۳۰ آیه

یا حسرةً علی العباد ما یأتیهم من رسولٍ إلیا أنوا به یستهزؤن « ۳۰ »

ای دریغ بر بندگان! آه هیچ پیامبری بر آنان نیامد مگر آن آه او را به استهزا می گرفتند. پیام ها:

۱ -انسانی آه با موضع گیری حق، می تواند فریادگر حق باشد و با پیروی از انبیا سعادت مند شود،

... «یا حسرة ؟ چگونه با لجاجت خود را مورد قهر قرار م ی دهد « جعلنی من المکرمین »

۲ -چه حسرتی از این بالاتر آه انسان درهای هدایت را به خاطر غرور و لجاجت به روی خود ببندد. «یا حسرة علی العباد»

«یا حسرة ...ما یأتیهم . « ۳ -آگاهی از حوادث تلخ تاریخ، انسان را بیدار می آند

«آنوا به یستهزؤن . « ۴ -استهزای انبیا، شیوه دائمی آقار در طول تاریخ بوده است

پس مبلغان دینی از زخم زبان و نیش و « (من رسول . « ۵ - تمام انبیا مورد استهزا قرار گرفت هاند نوش دیگران دلسرد نشوند).

«یا حسرة ...یستهزؤن . « ۶ -استهزای اولیای الهی حسرت ابدی و بزرگی را در پی دارد

« ۳۱ آیه

آلم یروا أم أهلكنا قبلهم من القرون أنهم إلیهم لا یرجعون « ۳۱ »

آیا ندیدند چه بسیار مردمانی را آه قبل از آنان هلاک آردیم و آنان به سوی این آقار بر نمی گردند؟

« ۳۲ آیه

وإن آل لّمّا جمیع لدینا مخضرون « ۳۲ »

و همگی نزد ما احضار م ی شوند.

یاسین تفسیر سوره

نکته ها:

هم به زمان طولانی گفته می شود و هم به مردمی آه در یک زمان زندگی « قرن » آلم هی می آیند (تفسیر نمونه).

پیام ها:

۱- آسانی آه در تاریخ تحقیق نکنند و از سرنوشت گذشتگان عبرت نگیرند، مورد انتقادند « بروا »

۲- سنّ تهای الهی در تاریخ ثابت است و سرنوشت ها به یکدیگر شباهت دارد و دیدن یک صحنه ... « آلم بروا » می تواند الگوی صحنه های دیگر باشد

۳- نقل تاریخ، سبب تهدید مجرمان و تسلی پویندگان راه حق است « آلم بروا آم اهلکنا » ۴- نتیجه ی استهزای انبیا هلاآت است

۵- هنگام فرارسیدن قهر الهی، راهی برای برگشت و جبران نیست، پس فرصت ها را از دست « انهم الیهم لا یرجعون » ندهیم

۶- هلاآت آقار پایان آرشان نیست، بلکه آغاز عذاب آنهاست « لدینا محضرون » ۷- تمام مردم در قیامت یکجا حاضر م ی شوند

« ۳۳ آیه »

وَأَيُّةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ « ۳۳ »
و زمین مرده آه ما آن را زنده آردیم و دانه ای از آن خارج ساختیم آه از آن می خوردند، برای آنان نشانه ای است) بر امکان معاد.

نکته ها:

در آیه قبل خواندیم آه هم هی مردم در قیامت زنده شده، نزد خداوند حاضر خواهند شد؛ این آیه فصل بهار و رویش گیاهان را دلیل معاد و زنده شدن مردگان م ی داند. بخشی از دانه های گیاهی صرف تغذیه انسان و بخشی به مصرف حیوانات و یا برای مصارف غیر خوراکی مثل تهیه رنگ و یا دارو استفاده می شود (تفسیر نمونه).

پیام ها:

۱- هر مرده ای آه در قیامت از گور بر می خیزد، مانند دانه ای است آه از زمین می روید « لهم »

۲- برای اثبات حَقَانِیَّتِ سخن خود به نمون هها استدلال آنیم

۳- بهترین دلیل برای عموم مردم، آن است آه دائمی، عمومی، غیر قابل انکار، ساده و همه جایی « و آیه لهم الارض » باشد

۴- بهترین راه ایمان به معاد، دَقَّت در آفرید ههاست

۵- حیات و زندگی و فصل بهار و رویش گیاهان از مه مترین دلائل توحید است

۶- بخش عمد های از غذای انسان را دان ههای گیاهی تشکیل می دهد آه دَقَّت در آنها راهی برای « و آیه ... حَبًّا فَمِنْهُ تَأْكُلُونَ » خداشناسی است

« ۳۴ آیه »

یاسین تفسیر سوره

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ « ۳۴ »

و در آن، باغ هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم و در آن چشم هها شکافته و روان ساختیم.

« ۳۵ آیه »

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ « ۳۵ »

تا از میوه های آن و آن چه دستانشان به عمل آورده است، بخورند، پس آیا سپاسگزاری نمی آند؟
نکته ها:

در قرآن از میان میوه ها نام انگور و خرما بی شتر به آرد رفته و این یا به خاطر نقش غذایی این دو میوه است و یا به خاطر در دسترس بودن آنها یا تنوع گون ههای آنها یا بهره گیری از خشک و تر آن دو و یا جهات دیگر.

به صورت جمع بکار رفته است، زیرا هر یک « عنب » جمع « اعناب » و « نخل » جمع « نخیل » دو آلمه از خرما و انگور دارای انواع زیادی هستند.

نام می برد، شاید به این دلیل آه درخت نخل همه چیزش « نخیل » در مورد خرما از درخت خرما قابل استفاده است.

موصوله باشد و ممکن است نافییه باشد، یعنی بشر در آن « ما عملته » در « ما » ممکن است لفظ هیچ دستی ندارد) .تفسیر نمونه.

پیام ها:

اخر جانا منها حَبًّا...جعلنا فيها . « ۱ -در تغذیه نقش اول با حبوبات و دان ههاست و سپس میوه ها
« جَنّاتِ »

« لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ . « ۲ -اصل آفرینش درختان و میوه هها برای انسان است

۳ -وظیفه انسان در برابر نعم تها، معرفت و شکر است) .خداوند زمین مرده را زنده می آند و

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ...أفلا .) « گیاهان و میوه هها را در دسترس قرار می دهد تا انسان بخورد و شکر آند
« یشکرون

« و ما عملته ایدیههم . « ۴ -تولید فرآورده های مختلف از میوه ها، مورد پذیرش قرآن است

« أفلا یشکرون . « ۵ - بیان نعم تها، سبب ایجاد روح شکرگزاری در انسان است

« أفلا یشکرون . « ۶ -انسان ناسپاس مورد نکوهش خداوند است

« ۳۶ آیه »

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ أَلْهًا مِمَّا تَنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ « ۳۶ »

منزه است خدایی آه تمام زو جها را آفرید، از آن چه زمین م یرویانند و از خود مردم و از آن چه نمی دانند.

نکته ها:

یکی از معجزات علمی قرآن، بیان قانون زوجیت در همه چیز است، گیاهان، انسان ها و آن چه آه مردم در آن زمان نمی دانستند و امروز می دانند .در عصر نزول قرآن، مردم با زوجیت در نخل خرما آشنا بودند، اما امروزه مشخص شده آه مسأله ی زوجیت در عالم عمومیت دارد، حتی ذرات جمادات نیز از دو بخش تشکیل شده است.

یاسین تفسیر سوره

پیام ها:

«أفلا يشكرون سبحانه الذي . « ۱ - تشکر ما نشانه رشد ما است، او نیازی به شکر ما ندارد
سبحان الذي . « ۲ - قانون زوجیت در مخلوقات را به ذات الهی سرایت ندهیم، او یکتا و بی نظیر است
«خلق الأزواج

۳ - آفریدن ها و آفرید هها، نشان هی قدرت، اراده و حکمت اوست، نه نشانه ی نیاز و وابستگی او.
«سبحان الذي خلق الأزواج»

«من ثمره... خلق الأزواج آلهما . « ۴ - پیدایش دانه و میوه، از طریق قانون زوجیت است
خلق الأزواج . « ۵ - در هستی موجوداتی است آه نحوه ی زوجیت آنها برای بشر ناشناخته است
«آلهما... مما لا يعلمون

« ۳۷ آیه

وَأَيُّ لَيْلٍ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ» ۳۷»
و نشان های) دیگر (برای آنان شب است آه ما روز را) مانند پوست (از آن بر می آیم، پس در
تاریکی فرو می روند.

« ۳۸ آیه

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» ۳۸»
و خورشید به) سوی (قرارگاه خود روان است، این نظام تقدیر خداوند عزیز داناست.

« ۳۹ آیه

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ يَآءِ الْعُرْجُونَ الْقَدِيمِ» ۳۹»
و برای ماه نیز منزلگاه هایی معین آمده ایم، تا به شکل شاخه خرما خشکیده در خرما برگردد.

« ۴۰ آیه

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَأَلَّا فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» ۴۰»
نه خورشید را سزاست آه به ماه رسد و نه شب را سزد آه بر روز پیشی گیرد، هر آدام در مدار
معینی شناورند.

نکته ها:

به آن قسمت از شاخه خوشه ی خرما گفته می شود آه به درخت وصل است و پس از «عرجون»
گذشت زمان به شکل قوس در می آید. زمانی آه ماه منزلگاه های بیست و هشت گانه را طی
می آند، به صورت هلال باریک و زرد رنگ و آم فروغ در م ی آید آه دقیقاً شبیه شاخه خرما ی زرد
شده است. جالب آنکه ماه در شب های روشن به شکل قوسی است آه دو سرش به سمت بالا
است و در شب های آخر دقیقاً بر عکس است، یعنی دو سر قوسی آن رو به پایین و شبیه شاخه
خرما م ی شود.

از این آیات برهان نظم استفاده م ی شود آه یکی از برهان های اثبات وجود خداوند است.
توجه دادن مردم به حرآت خورشید و ماه و پیدایش شب و روز، تغییراتی آه در ماه دیده می شود،
شناور بودن آرات در آسمان، مدار آرات، عدم اصطکاک آرات و انداز هگیری و نظم دقیق و حکیمانه،
علاوه بر آنکه نشان های از آفریدگار دانا و تواناست، نشان هی توجه اسلام به علم هیئت و ایجاد

یاسین تفسیر سوره

بستری مناسب برای تحقیقات دانشمندان در طول تاریخ بوده است. در این دو آیه، هم به نظام سال شمسی و هم به نظام سال قمری اشاره شده است. حرآت زمین و خورشید و نظام سال شمسی به قدری دقیق است آه ثانیه های زمان تحویل سال را نیز اعلام می‌آیند حتی تحویل صدها سال بعد و بیشتر از آن را. تمام هستی در حرآتند، زمین به دور خورشید می‌چرخد آه از آن فصل و سالها بوجود می‌آید و زمین و منظومه شمسی و مجموعه آرات آسمانی به دور محوری معین در حرآت هستند آه اخترشناسان آن نقطه را ستاره وگا می‌نامند.

پیام ها:

وقتی تاریکی شب « (آیهٔ لهم الليل . « ۱ - شب، از نشان ههای قدرت و حکمت الهی است فرامی‌رسد، قدر نور و روشنایی شناخته می‌شود).

۲ - یک برنامه ثابت در طول تاریخ آن هم بدون خلل، نشان هی وجود حسابگری حکیم و علیم است. «ذلک تقدیر العزیز العلیم»

«نسلخ منه النهار . « ۳ - پیدایش شب و روز تصادفی نیست، آرات خداست

۴ - مدار حرآت خورشید و ماه طوری طراحی شده آه هرگز به یکدیگر برخورد نمی‌آیند و در ایجاد

«لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر . « شب و روز خللی وارد نم‌ی‌شود

۵ - بر خلاف نظریه ثابت بودن خورشید، قرآن خورشید را دارای حرآت م‌ی‌داند، آن هم حرآت جهت «تجری لمستقرّ لها . « دار

...«تقدیر العزیز . « ۶ - در نظم حآم بر هستی احدی نمی‌تواند اخلال آند

۷ - تشبیهات قرآن آهنة شدنی نیست . ماه در بخشی از زمان، به قوس شاخه خرما تشبیه شده

«عاد آل‌العرجون القدیم . « است

حرآت آرات در مدار خود با « آلّ فی فلک یسبحون . « ۸ - همه ی آرات در مدار خود در حرآتند

یعنی شنای سریع « (یسبحون . « سرعت است

«۴۱ آیه

وَأَيُّ لَّهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ « ۴۱»

و نشان های) دیگر (برای آنان، آن است آه ما فرزندانشان را در آشتی های پر از بار سوار آردیم.

«۴۲ آیه

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْآبُونَ « ۴۲»

و برای آنان مرآب های دیگری همانند آن،) از قبیل اسب و شتر (...آفریدیم.

«۴۳ آیه

وَإِنْ نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَدُونَ « ۴۳»

و اگر بخواهیم آنان را غرق م‌ی‌آینیم، به گونه ای آه نه فریادرسی برایشان باشد و نه) از دریا) نجات داده شوند.

«۴۴ آیه

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعاً إِلَىٰ حِينٍ « ۴۴»

یاسین تفسیر سوره

مگر آنکه بار دیگر رحمت ما شامل حالشان شود و تا مدتی) دیگر از زندگی (بر خوردار باشند.
نکته ها:

بهره گیری از آشتی ها و حیوانات، بارها در قرآن به عنوان نعم تهیای الهی مطرح شده است، ولی در این آیه به عنوان وسیل های برای حمل آمده تا انسان با عقل و عاطفه نعمت الهی را درک « حملنا ذریتهم . » آند

همین امروز نیز اگر آشتی های نفت آس و باری و حمل گندم و مواد غذایی در اقیانوس ها به حرآت در نیابند، زندگی بشر فلج می شود . علاوه برآنکه حمل و نقل از طریق دریا، ارزان ترین راه برای انتقال آلاهای حجیم و سنگین است .

به دنبال آیات قبل آه حرآت آرات آسمانی در آن بیان شد، در این آیات به بیان حرآت آشتی ها در دریا م ی پردازد آه بیانگر آن است آه حرآت آرات آسمانی بی شباهت با حرآت آشتی ها در دریا نیست .

انسان نباید به توانایی های خود مغرور شود آه او بسیار آسیب پذیر است و تنها پناهگاه او خداوند است . همان گونه آه امروزه نیز بشر با تمام پیشرفت های شگفت آوری آه دارد، طاقت مقابله با حوادث طبیعی را ندارد .

پیام ها:

۱- این خداوند است آه آب را به گون های قرار داده آه انسان می تواند با ساخت آشتی بر روی آن « و آیه ... فی الفلک . » حرآت آند و این از نشان ههای قدرت الهی است

۲- مَرآب و وسیله نقلیه آه از ضروریات زندگی بشر است، یک نعمت ویژه و نشان های از لطف و « خلقنا لهم من مثله ما یرآبون . » تدبیر الهی است

« ان نشأ نغرقهم . » ۳- دست خدا در قهر و غضب باز است . به خود مغرور نشویم

۴- اگر قهر خدا سرازیر شود احدی فریادرس نیست . پس نباید احساس امنیت صد در صد داشته « ان نشأ نغرقهم فلا صریخ لهم . » باشیم

« رحمه منا . » ۵- هرگز نجات خود را در سای هی عوامل مادی نپنداریم

« متاعا الی حین . » ۶- هر آس اجلی دارد و زندگی ما محدود است

« ۴۵ آیه »

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ « ۴۵ »

و هرگاه به آنان گفته شود از) مجازات دنیا (آه پیش روی شماست و از) مجازات آخرت (آه به دنبال شماست پروا آنید تا شاید مورد رحمت قرار گیرید) اعراض می آند.

« ۴۶ آیه »

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا آتَوْا عَنْهَا مَعْزُبِينَ « ۴۶ »

و هیچ نشان های از نشانه های پروردگارشان برای آنان نمی آید مگر آن آه از آنها روی گردانند.
نکته ها:

در آیات قبل به نعم تهیای الهی اشاره شد آه اگر دقت آند همه آنها نشانه ای از قدرت و حکمت و لطف اوست . در این آیات می فرماید : لجاجت آنان به قدری است آه نه از نشان هها درس می گیرند

یاسین تفسیر سوره

و نه به موعظ هها گوش می دهند آه به آنها گفته می شود: از انجام آرهایی آه عقوبت دنیا و عذاب آخرت را به دنبال دارد بپرهیزید، تا خداوند گذشته شما را ببخشد و شما را مورد لطف خود قرار دهد.

پیام ها:

« قیل لهم اتقوا . » ۱- با امر به معروف، حجت را بر افراد تمام آید
« اتقوا... لعلکم ترحمون . » ۲- تقوا، رمز دریافت رحمت الهی است
« آیه من آیات ربهم . » ۳- برای اتمام حجت با دیگران، انواع استدلال ها را مطرح آید
نشان را باید « (آیات ربهم... عنها معرضین . » ۴- نشانه های خدا بسیار است، اما پذیرش مردم اندک دید و به سراغ صاحب نشان رفت، نه آنکه به نشان پشت آرد)
« آنوا عنها معرضین . » ۵- آفر عنود، نه از موعظه استقبال می آند و نه به آیات الهی اعتنا دارد
« ۴۷ آیه »

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ أَفْرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ « ۴۷ »
أَطَعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

و هرگاه به آنان گفته شود: از آن چه خداوند روزی شما آرده بخشش آید، آسانی آه آفر ورزیدند به آسانی آه ایمان آورده اند می گویند: آیا به آسانی غذا دهیم آه اگر خداوند می خواست خودش به آنها غذا می داد؟) برآستی آه (شما در گمراهی آشکاری هستید.
نکته ها:

افرادی آه بینش صحیح ندارند، یا م یخواهند از زیر بار مسئولیت شانه خالی آند، یا تمام انحرافات و عملکرد زشت خود را به گردن دیگران می اندازند:

لو شاء الله ما : « ۱- گاهی م یگویند: مقصر خداست، اگر او نمی خواست ما مشرک نبودیم
سوره انعام، آیه ۱۴۸ » (اشرآنا

سوره زخرف، آیه ۲۰ » (لو شاء الرحمن ما عبدناهم » ،

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

لولا انتم لکننا . « ۲- گاهی م یگویند: مقصر جامعه است، اگر این بزرگان نبودند، ما مؤمن بودیم
سوره سبأ، آیه ۳۱ » (مؤمنین

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

سوره زخرف، آیه ۲۲ » (انا وجدنا آبائنا . « ۳- گاهی م یگویند: مقصر نیاآن ما هستند

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

در این آیه نیز م یگویند: اگر لازم بود خدا خودش به فقرا روزی می داد. غافل از آن آه خداوند مسئولیت سیر آردن فقرا را به دوش اغنیا گذاشته است.

سؤال: چرا خداوند خود فقرا را رزق نمی دهد و به مردم دستور انفاق م یدهد؟!

پاسخ: رشد انسان، در سایه ی گذشت و ایثار و سخاوت و نوع دوستی و دلسوزی و صرفه جویی و آلفت و تعاون و محبت و تفقد است. اگر همه ی مردم از امکانات یکسان برخوردار باشند، نه زمینه ای برای بروز این آمالات باقی م یماند و نه بستری برای صبر و زهد و قناعت محرومان.

یاسین تفسیر سوره

پیام ها:

انفاق و بخشش را آسان می آند « . آن چه داریم رزق الهی است نه ملک ما » ۱ - توجه به این آه
«انفقوا ممّا رزقکم اللّٰه»

«قال الذّٰین آفروا .. انطعم . » ۲ - آفر، سبب خودداری از انفاق است

«لو یشاء اللّٰه اطعمه . » ۳ - آفر، رازق بودن خدا را مسخره م ی آند

«لو یشاء اللّٰه . » ۴ - یکی از بهان ههای افراد بخیل برای آمک نکردن به دیگران، مشیت الهی است
«اطعمه

قال الذّٰین .) « ۵ - انفاق، نشانه ایمان است . زیرا ترک انفاق از ویژگی های آفّار شمرده شده است
... «آفروا .. انطعم

۶ - آار انسان به جایی م ی رسد آه آفر و بخل را راه درست و ایمان و انفاق را انحراف م ی شمرد.
«إن انتم الاّ فی ضلال مبین»

« ۴۸ آیه

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هٰذَا الْوَعْدُ إِن أَنْتُمْ صَادِقِينَ « ۴۸

(آفّار (می گویند :اگر راست می گوئید، این وعده) قیامت (چه وقت فرا می رسد؟

« ۴۹ آیه

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ « ۴۹

آنان جز یک صیحه) مرگبار (را انتظار نمی آشند آه آنان را فرا خواهد گرفت، در حالی آه به
مخاصمه و جدال سرگرمند.

« ۵۰ آیه

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ « ۵۰

پس در آن حال، نه توان وصیتی دارند و نه م ی توانند به سوی خانواده هایشان باز گردند.

پیام ها:

۱ - آفّار، دلیلی بر انکار قیامت ندارند و تنها با طرح این سؤال آه قیامت چه زمانی است، آن را به

«متی هذا الوعد إن أنتم صادقین . » استهزا م ی گیرند

«متی هذا الوعد . » ۲ - معین نبودن زمان امری، دلیل بر واقع نشدن آن نیست

«هذا الوعد . » ۳ - برپایی قیامت، وعده الهی است

«إن أنتم صادقین . » ۴ - آفّار، انبیا و مؤمنین را دروغگو م ی پندارند

«صیحه واحدة ؟ » ۵ - قیامت خبر نم ی آند، این همه غفلت و استهزا چرا

«فلا يستطيعون توفیة و لا ... يرجعون . » ۶ - قیامت آه بیاید، نه زبان تاب سخن دارد و نه پا توان فرار

«صیحه واحدة . » ۷ - برپایی قیامت پس از یک صیحه مرگبار است

۸ - پایان دنیا و آغاز قیامت در حالی خواهد بود آه مردم سرگرم جدال و آشمکش روزان هاند.

«تأخذهم و هم یخصّمون»

۹ - وابستگی ها و دل بستگی ها در دنیا آرساز است و با برپایی قیامت، همه آنها گسسته

«و لا الی اهلهم يرجعون . » می شود

یاسین تفسیر سوره

« ۵۱ آیه

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ « ۵۱ »

و در صور دمیده شود، پس ناگاه آنان از گورها) برخاسته، (شتابان به سوی پروردگارشان می آیند.

« ۵۲ آیه

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ « ۵۲ »

گویند: توای بر ما، چه آسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این همان است آه خدای رحمان وعده داد و پیامبران راست گفتند.

« ۵۳ آیه

إِن آآنتِ إِلَّا صَيْحَةٌ وَآحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ « ۵۳ »

جز یک بانگ نبود آه ناگهان همگی نزد ما احضار شدند.

نکته ها:

به معنای رفتن با سرعت و « نسلان » از « ينسلون » ، به معنای قبر « جَدَتْ « جمع « آجدات »

به معنای محلّ استراحت آه در اینجا مراد قبر است « .رقاد « اسم مکان از « مرقد »

در قرآن، دو نوع دمیدن در صور مطرح شده است؛ یکی برای انقراض دنیا و یکی برای برپایی

قیامت .مراد از نفخ صور در این آیه، دمیده شدن در صور برای بار دوّم و زنده شدن مردگان است.

آری نه میراندن برای خداوند مشکل است و نه زنده آردن، او با یک صیحه می میراند و با یک صدا

همه را زنده م یآند.

آلام فرشتگان ، « هذا ما وعد الرَّحْمَنُ و صدق المرسلون « امام باقر علیه السلام می فرماید :جمله

به اهل قیامت است) .تفسیر نورالثقلین .

پیام ها:

و نفخ فی . « ۱ -آغاز قیامت با صدای مهیبی است آه با دمیده شدن در صور شنیده می شود

...«الصور فاذا

من الاجداث...ينسلون...بعثنا . « ۲ -معاد جسمانی است و بدن ها از همین قبرها خارج می شوند

«من مرقدنا

...«نفخ فاذا هم . « ۳ -زنده شدن انسا نها در قیامت بسیار سریع و با آسانی خواهد بود

« ينسلون . « ۴ -حرآت شتابان، نشانه ی اضطراب و هیجان مردم در قیامت است

« یا ویلنا . « ۵ - قیامت، روز حسرت آقار است

« هذا ما وعد الرَّحْمَنُ و صدق المرسلون . « ۶ -قیامت، صحنه ی بیداری و اقرار و اعتراف است

« هذا ما وعد الرَّحْمَنُ . « ۷ -برپایی قیامت و حسابرسی، لازمه رحمان بودن خداست

۸ - آقار آن چه را در دنیا انکار می آردند در آن روز می بینند) .در دنیا همین آه نام رحمن برده

.سوره فرقان، آیه ۶۰ « (و ما الرَّحْمَنُ : « می شد، می گفتند

« هذا ما وعد الرَّحْمَنُ .) « ولی در آن روز مشاهده م یآند

«جمع لدینا محضرون . « ۹ -در قیامت همه مردم در یک جا حاضر م یشوند

یاسین تفسیر سوره

«مُحْضَرُونَ . « ۱۰ - حضور در قیامت با اختیار نیست

« ۵۴ آیه

فَالْيَوْمَ لَا تَظْلِمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا أَنْتُمْ تَعْمَلُونَ « ۵۴ »

پس در چنین روزی بر هیچ آس هیچ ستمی نم ی‌شود، و جز آن چه عمل آردید جزایی داده نمی شوید.

پیام ها:

حتی « (فالیوم لا تظلم نفس . « ۱ - خداوند عادل است و قیامت روز ظهور و جلوه ی عدل الهی است سخت ترین عذاب ها نیز عادلانه است.)

ما . « ۲ - اساس آیفرو پاداش در قیامت عملکرد ما در دنیا است و ذره ای به آسی ستم نخواهد شد آیفرو پاداش استحقاقی با پاداش هایی آه خداوند از روی تفضل می دهد منافات « (آنتم تعملون ندارد.)

« ۵۵ آیه

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاأَهْوَنَ « ۵۵ »

بی شک اهل بهشت در آن روز به آرهایی مشغولند آه از آن شادمانند.

« ۵۶ آیه

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأُرَائِكِ مُتَكِئُونَ « ۵۶ »

آنان و همسرانشان در زیر سای همها بر تخت های زینتی تکیه می زنند.

« ۵۷ آیه

لَهُمْ فِيهَا فَاأَهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ « ۵۷ »

در آن جا) هر گونه (میوه برای آنان مهیا است و هر آن چه بخواهند برایشان موجود است.

« ۵۸ آیه

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ « ۵۸ »

سلام، سخن پروردگار مهربان به آنان است.

نکته ها:

به معنای امری است آه انسان را به خود مشغول آند و چون در اینجا با تنوین و به « شُغْل » اصطلاح نکره آمده به معنای مشغله ای است آه آنه و عمق آن ناشناخته و وصف ناپذیر است.

به معنای سخن مسرّ تأمیز است « فکاهة » از « فآهون »

به معنای تخت مزین در حجله عروس است « اریکه » جمع « ارائک »

« سلام قولاً من ربّ رحیم : « در بهشت از هر سو سلام است . خدا به بهشتیان سلام می آند

.سوره رعد، آیه ۲۴ « (والملائكة يدخلون عليهم من آلّ باب سلام عليكم : « فرشتگان سلام می آند

.سوره یونس، آیه ۱۰ « (تحیتهم فیها سلام . « اهل بهشت نیز به یکدیگر سلام می آند

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

پیام ها:

در بهشت اوقات فراغت بی هدف « اصحاب الجنة فی شغل . « ۱ - در بهشت، بیکاری نیست

یاسین تفسیر سوره

نیست، بلکه در سایه نعمت های خداوند بهشتیان مشغولی تهیای شادی بخش دارند. بهشتیان آرامش خاطر داشته و هیچ گونه نگرانی « (فآهون . « ۲ - در بهشت، غم و اندوه نیست ندارند).

« شغل فآهون . « ۳ - شغل خوب شغلی است آه انسان از آن راضی و شاد باشد
۴ - در بهشت، زندگی بدون مرگ، سلامتی بی مرض، جوانی بی پیری، عزت بی ذلت، نعمت بی
« فی شغل فآهون . « محنت، بقا بی فنا، خشنودی بی خشم و انس بی وحشت است
« هم و ازواجهم . « ۵ - در بهشت، نظام خانواده از هم نم یپاشد و تنهایی نیست
« فی ظلال علی الارائك . « ۶ - مسکن بهشتی دلپسند و آرامش بخش است
« علی الارائك متکئون . « ۷ - نشستن بر تخت و صندلی، به نشستن روی زمین برتری دارد
به صورت نکره آمده تا علامت « فآهه » (« لهم فیها فآهه . « ۸ - در بهشت بهترین تغذیه وجود دارد
آن باشد آه با میوه های آنچنانی پذیرایی می شوند).

به معنای آن است آه هر چه « یدعون » (« و لهم ما یدعون . « ۹ - در بهشت محدودیت نیست
می خواهند و تمنا می آید برایشان فراهم است و آرزویی در دل ندارند آه انجام نشدنی باشد).
۱۰ - معاد جسمانی است) میوه و همسر و تخت نشانه ی آن است آه در قیامت با همین جسم
زندگی خواهیم آرد).

« فآهه ... سلام . « ۱۱ - در آثار تشوی قهای مادی، تشویق های روحی و روانی لازم است
سلام قولاً من رب . « ۱۲ - در بهشت رضا و سلامی با عظمت از خداوند مهربان دریافت می شود
« رحیم

(رحمت خداوند نه تنها در دنیا آه تا بلندای بهشت تداوم دارد).
... « و لهم ما یدعون سلام . « ۱۳ - دریافت سلام الهی، برترین آرزو و خواسته بهشتیان است

« ۵۹ آیه

وَأَمَّا زَوْجُكَ يَا بَنِي إِدْرِيسَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا فَهُوَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَهُوَ فِيْ عَذٰبٍ عَظِيْمٍ ﴿۵۹﴾

(و گفته می شود (ای گناهکاران و مجرمین! امروز) از نیکوآران (جدا شوید).

« ۶۰ آیه

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطٰنَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿۶۰﴾

ای فرزندان آدم! مگر به شما سفارش نکردم آه شیطان را اطاعت نکنید آه همانا او برای شما
دشمنی آشکار است.

« ۶۱ آیه

وَأَنْ اٰغْبُدُوْنِيْ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ﴿۶۱﴾

و تنها مرا بپرستید، آه راه مستقیم همین است.

« ۶۲ آیه

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا ؕ أَتَيْرًا أَفَلَمْ تَكُوْنُوْا تَعْقِلُوْنَ ﴿۶۲﴾

اما شیطان گروه زیادی از شما را گمراه آرد، پس آیا شما تعقل نمی آردید؟

نکته ها:

یاسین تفسیر سوره

جدایی گناهکاران از نیکوآاران طبق قانون عدل الهی است، آه فرمود: مؤمن و آفر یکسان. سوره سجده، آیه ۱۸ « (أفمن آن مؤمنا آمن فاسقاً لا یستونون : « نیستند شاید هم مراد از جدا شدن، جدایی مجرمین از یکدیگر و تنها شدن و به درد فراق گرفتار شدن باشد، همچون زندان انفرادی در دنیا آه مجرمان را از یکدیگر جدا می آند. بیاید، به معنای توصیه و سفارش است « الی « هرگاه با حرف « عهد « آلمه من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا اللّٰه . « تنها عدّه ای از مؤمنان به عهد الهی خود عمل آورده اند. سوره احزاب، آیه ۲۳ « (علیه

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

به جمعیت زیادی گفته می شود آه همچون آوه عظمت داشته باشد) مفردات « جبلاً آثیراً » راغب.

من اطاع رجلاً فی : « مراد از عبادت شیطان، اطاعت شیطان است، چنانکه در حدیث می خوانیم. وسائل، ج ۱۸ ، ص ۷۹ « (معصیة فقد عبده هر آس در گناه از آسی اطاعت آند، بندگی او را آورده است. پیام ها:

«وامتازوا الیوم . « ۱-قیامت، روز فیصله و جدایی مجرمان از دیگران است

«ألم اعهد الیکم . « ۲-قیامت، روز توبیخ مجرمان است

«ألم اعهد . « ۳-آیفر الهی پس از اتمام حجّت است

لا تعبدا الشیطان . « ۴...-انسان، از دو حال خارج نیست، یا بنده خداست یا بنده شیطان «اعبدونی

فکری آه سنگ و چوب را به جای خدا برای « (عدوّ مبین . « ۵ - دشمن بودن شیطان آشکار است انسان جلوه می دهد در انحراف آن هیچ گونه ابهامی نیست)

همان « اهدنا الصراط المستقیم « ، ۶-راه مستقیم آه هر شبانه روز در نماز از خدا می خواهیم

«اعبدونی هذا صراط مستقیم . « اطاعت و عبادت اوست

«اعبدونی هذا صراط . « ۷-مهم ترین فلسفه عبادت خداوند، انتخاب راه درست در زندگی است «مستقیم

«اضلّ...جبلاً آثیراً افلم تکنونوا تعقلون . « ۸ - از سرنوشت فریب خوردگان عبرت بگیریم

۹-اندیشه در سرنوشت تلخ قربانیان فریب شیطان، راه نجات از وسوسه ها و دام های اوست.

«أفلم تکنونوا تعقلون »

«أفلم تکنونوا تعقلون . « ۱۰ - آسی آه از فکر و اندیشه خود استفاده نکند، قابل سرزنش است

گفتگویی درباره شیطان

*سؤال: آیا شیطان وجود دارد؟

پاسخ: در وجود شیطان شکی نیست زیرا هم خداوند از وجود آن خبر داده است و هم هر آس می تواند با تجربه و توجه به وسوسه هایی آه در عمرش شده است، به وجود آن پی ببرد. یعنی اگر تصمیم بگیریم نمازی با حضور قلب آمل بخوانیم، نمی توانیم و این دلیل بر آن است آه غیر از ما،

یاسین تفسیر سوره

مخالف دیگری نیز وجود دارد آه ما را از توجه به خداوند باز می‌دارد.

* سؤال: چرا خداوند شیطان را آفرید؟

پاسخ: شیطان مانند سایر موجودات از قبیل انسان، فرشتگان و جن، موجودی بود آه به عبادت مشغول بود، ولی در یک آزمایش الهی فرمان خدا را انکار آرد و به خاطر حس نژاد پرستی، نظر به اینکه نژاد او از آتش و برتر از انسانی است آه از خاک آفرید شده است، و به خاطر تکبر و تعصب و حسد، علاوه بر عمل نکردن به فرمان خداوند، به جای عذر خواهی و توبه اعتراض آرد. بنابراین خداوند او را بد نیافریده است بلکه شیطان بد عمل آرده است و با این آه می‌توانست توبه آند. از خداوند عمر طولانی تا دامنه قیامت برای گمراه آردن مردم درخواست آرد. خداوند هم یا به خاطر پاداش عبادت تهای قبلی یا آزمایش انسان، برای مدت طولانی به او مهلت داد و در مقابل وسوسه ها و الهامات شیطانی انسان را با فرستادن انبیا مجهز ساخت و در برابر لغزش هایی انسان، درب توبه را به روی او گشود.

* سؤال: آیا ابلیس و شیطان یکی است یا دو موجودند؟

پاسخ: ابلیس نام مخصوص همان موجودی است آه در برابر فرمان خداوند سرآشی نمود ولی آلمه شیطان نام مخصوص او نیست و به غیر از او نیز گفته می‌شود. مثلاً در روایات به موجودات مضر و مودی، و در قرآن به بعضی از انسان ها شیطان گفته شده است. در قرآن می‌خوانیم: و در روایات می‌خوانیم: زباله را از خانه بیرون آید زیرا آه در آن شیطان « شیاطین الجن و الانس » جمع می‌شود آه شاید مراد از شیطان، میکروبها و آلودگی هاست.

* سؤال: سیاست شیطان چیست؟

به « خطوه » برخورد می‌آئیم آه این آلمه جمع « خطوات الشیطان » پاسخ: در قرآن بارها به آلمه معنای گام است. سیاست شیطان نفوذ گام به گام است مثلاً ابتدا انسان را به نگاه آردن وادار می‌آند و او را علاقمند می‌آند، گام دوم او را به فکر وام می‌دارد و در گام بعد به اقدام. بسیاری از گناهان از شوخی شروع می‌شود و به جدی پایان می‌پذیرد. و در بسیاری از سرقت ها، از سرقت اشیای آم قیمت شروع و به سرقت تهای آلان می‌رسد. حضرت علی صلی الله علیه وآله در خطبه هفتم نهج البلاغه می‌فرماید: شیطان اول تخم گذاری و به دنباله آن در « و دب » سپس راه می‌افتد، « و فرخ » پس از آن جوجه باز می‌آند، « فباض » می‌آند و به آنجا می‌رسد آه نگاه ها و گفتارها همه شیطانی « درج فی حجوهم » دامن مردم رشد می‌آند می‌شود.

در قرآن و روایات برای شیطان تورهایی بیان شده است از قبیل: لقمه حرام، شراب و قمار، شایعات، تفرقه ها، تماس و هم نشینی با ناهلان اعم از دوست، همسایه، معلم، شاگرد، عجب و غرور، آرزوهای نابجا، تبلیغات سوء، زرق و برق طاغو تها، شاید بتوان گفت: بزرگ ترین راه ورودی شیطان، چشم و گوش و زبان و شهوت است. با دیدن یک صحنه یا شنیدن یک شایعه یا سخن باطل، و یا با گفتن یک آلمه، یا آمیابی جنسی، راه را برای مراحل بعدی و عمق بخشیدن به وسوسه ها باز می‌آند. البته شیطان همچون سگ است آه به اهل خانه حمله نمی‌آند. خداوند به ابلیس فرمود: تو بر بندگان مخلص من آه به منزله اهل من هستند تسلطی نداری (ان عبادی

یاسین تفسیر سوره

سوره حجر، آیه ۴۲. نفوذ تو بر بیگانه هاست، همان گونه آه سگ به « لیس لک علیهم سلطان غریبه ها می پرد.

* سؤال: با این همه وسوسه های شیطانی گناه بشر چیست؟

پاسخ: در قرآن می خوانیم آه در قیامت مجرمین خلافکاری های خود را به گردن ابلیس انداخته و او را ملامت م ی‌آند ولی او می گوید: مرا ملامت نکنید بلکه خودتان را ملامت آید، من بر شما قدرت سلطه) و اجبار (نداشتم، من فقط شما را دعوت آردم و این شما بودید آه دعوت مرا اجابت آردید. شما چرا به سراغ وعده های خدا و دعوت انبیا نرفتید. وعده های حق الهی را آناز گذاشتید و به دنبال وعد ههای پوچ من آمدید) .سوره ابراهیم، آیه ۲۲

* سؤال: راههای نفوذ شیطان آدامند؟

پاسخ: ۱- همین آه انسان به فکر آمک به دیگران م ی‌افتد، شیطان او را به فقر در آینده تهدید .سوره بقره، آیه ۲۶۸ « (الشیطان یعدآم الفقر . » می آند

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم

۲- همین آه میان دو نفر علاقه وجود دارد، آنها را در جلسه قمار می نشاند و علاقه میان برنده و آتما یرید الشیطان آن یوقع بینکم العداوة و البغضاء فی . « بازنده را به آینه و بغض تبدیل م ی‌آند .سوره مائده، آیه ۹۱...» (الخمر و المیسر

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم

۳- همین آه به فکر ازدواج می افتد، تلقین می آند آه آنون زود است.

۴- همین آه به فکر نماز اول وقت م ی‌افتد، می گوید هنوز وقت داریم.

۵- همین آه به فکر توبه م ی‌افتد، می گوید در پیری توبه خواهیم آرد.

۶- گاهی شیطان با تغییر اسم، انسان را به گناه وا م ی‌دارد، ولخرجی در امور دینی را به اسم

شعائر مذهبی، ولخرجی در خانه را به اسم آبروداری، ولخرجی در میان دوستان را به اسم

سخاوت، غفلت از خدا و معاد و مسئولیت را به اسم رفاه، حرص در ثروت و جمع آوری مال را به

اسم تأمین زندگی خود و فرزندان، حيله را به اسم زرنگی، شیطنت را به اسم تدبیر، نفاق را به

اسم سیاست، عیاشی را به اسم استراحت، ب ی‌اعتنایی به مقدّسات را به اسم روشنفکری، از

بین بردن سن ته‌های خوب را به اسم تمدن، بی اعتنایی به پدر و مادر را به اسم همسر داری، خود

باختگی و از دست دادن هویت ملی و فکری و اعتقادی رابه اسم هم‌رنگ جماعت شدن قرار

می دهد و این است معنای آنچه را در قرآن می خوانیم آه شیطان آرهای بد را) با همین عناوین و

.سوره انعام، آیه ۴۳ « (زین لهم الشیطان ما آنوا یعملون . » اسم ها (زیبا جلوه می دهد

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم

در پایان باید بگویم :انسان می تواند با توآل بر خداوند و پناه بردن به او و یاد او بخصوص اذان و نماز

و رابطه دوستان با تقوا و دوری از مجالس و صحن ههای فساد و توجه به تاریخ گول خوردگان و عبرت

از آنان، خود را از دا مه‌های شیطان رهایی بخشید و هرگاه به نحوی گرفتار شد، با توبه و عذرخواهی

سوره « (ان الحسنات یذهبن السئیات : « از خداوند و انجام نماز، خود را پاک آند .قرآن می فرماید

.هود، آیه ۱۱۴

یاسین تفسیر سوره

یعنی با انجام آرهای نیک، بدیها از بین می روند.

« ۶۳ آیه

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي أَنْتُمْ تُوعَدُونَ » ۶۳

این همان جهنمی است آه به شما وعده داده می شد.

« ۶۴ آیه

اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا أَنْتُمْ تَكْفُرُونَ » ۶۴

امروز وارد آن شوید و به خاطر آفری آه داشتید، به آتش آن بسوزید.

نکته ها:

به معنای آتش افروختن و در آتش وارد گشتن و ملازم آن بودن است « صلی » از « اصلوها »

پیام ها:

... « هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي » ۱ - یکی از آفرهای خداوند، سرزنش تبهکاران است

« افلم تکتونوا تعقلون هذِهِ جَهَنَّمُ » ۲ - سرانجام اندیشه نکردن، جهنم و بدبختی است

« توعدون - تکفرون » ۳ - خداوند بارها وعده جهنم داد، ولی آفران باور نکردند

آتم . « ۴ - خداوند بر دوزخیان اتمام حجت نموده و پیوسته خطر دوزخ را به آنان ابلاغ کرده است

« توعدون

« اصلوها بما أنتم تکفرون » ۵ - آفر امروز به خاطر آفر دیروز است

« اصلوها الیوم » ۶ - آفر و دوزخیان هرگز از آتش جدا نخواهند شد

« ۶۵ آیه

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا أَنْوَأُ يَكْسِبُونَ » ۶۵

امروز بر دهانشان مهر م ی نهیم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به آنچه آسب

آورده اند گواهی می دهند.

نکته ها:

گواهان در قیامت متعددند و عبارتند از :خدا، پیامبر، امام، زمان، مکان، فرشتگان، اعمال و اعضای

انسان) برای توضیح بیشتر به آتاب معاد مؤلف مراجعه شود.

ذآر نام دست و پا از باب نمونه است، زیرا در آیات دیگر م یخوانیم آه گوش و چشم و دل نیز مورد

سؤال قرار م یگیرند) سوره اسراء، آیه ۳۶

و حتی پوست گواهی می دهد) .سوره سجده، آیه ۲۰

به هر حال هر عضوی به آن چه عمل آورده گواهی م یدهد.

امام باقرعلیه السلام فرمود :گواهی اعضا بر علیه انسان، درباره ی آفران است اما مؤمن

آرنامه اش را به دست راست گرفته و با افتخار می خواند) .تفسیر نمونه.

پیام ها:

۱ -خداوند، سبب سوز و سبب ساز است .دهانی را آه وسیله سخن گفتن است می بندد و

« نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و ...ارجلهم » دست و پا را وسیله سخن گفتن قرار م یدهد

« تکلمنا ایدیهم » ۲ -معاد، جسمانی است

یاسین تفسیر سوره

«نختم . « ۳ -در قیامت اعضای بدن، تابع اراده انسان نیست
«تشهد ارجمم . « ۴ -قوی ترین گواه در دادگاه، اقرار و اعتراف عامل جرم است
تکلمنا ایدیهم و . « ۵ - اعضای بدن دارای نوعی درک و شعورند آه م ی‌توانند در قیامت شهادت دهند
«تشهد ارجمم

« ۶۶ » آیه

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ « ۶۶ »
و اگر بخواهیم فروغ دیدگانشان را محو م ی‌انیم، پس آنگاه آه در راه سبقت می گیرند، چگونه خواهند دید؟

« ۶۷ » آیه

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ « ۶۷ »
و اگر بخواهیم آنان را در جای خود مسخ م ی‌انیم) و به مجسم‌ههایی بی روح مبدل م ی‌سازیم،
به گون‌های آه نه بتوانند به راه خود ادامه دهند و نه بر گردند.
نکته‌ها:

به معنای از بین بردن آثار و شواهد چیزی است « .طمس »
اگر این دو آیه را ادامه آیات قبل در مورد عذاب آقار در قیامت بدانیم، بیانگر ناتوانی آقار در جستجوی راه بهشت و حیرت و سرگردانی آنها در صحرای محشر است . اما اثر مفسران این دو را مربوط به آیفردنیوی آقار دانسته و آن را نوعی تهدید در از دست دادن قوه بینایی و یافتن راه خانه و آسب و آرد دانست هاند (.تفسیر نمونه .
پیام‌ها:

۱ - فکر نکنید آن چه دارید باید داشته باشید یا جاودانه خواهید داشت، از قهر و غضب الهی و تغییر
«لو نشاء لطمسنا . « نعمت‌ها غافل‌نباشید
لو نشاء . « ۲... -علاج واقعه را قبل از وقوع باید آرد .قبل از نزول عذاب باید از لجاجت دست برداشت
...«لو نشاء

«علی مکانتهم . « ۳ -هر مکانی م ی‌تواند ظرف قهر خدا باشد
...«فما استطاعوا . « ۴ -قهر خدا آه آمد احدی توان تحمل ندارد
۵ - سنت خداوند، آزاد گذاشتن انسا نها است تا از راه دیدن و شنیدن حقایق ایمان بیاورند، نه
نشانه آن است آه « لو « حرف « (لو نشاء لمسخناهم . « آنکه از طریق قهر و اجبار و فشار ایمان آورند
سنت خداوند، مسخ و زمین گیر آردن مردم نیست.)

« ۶۸ » آیه

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ « ۶۸ »
و هر آه را طول عمر دهیم، او را در آفرینش واژگونه م ی‌انیم) .حافظه اش به فراموشی سپرده
می شود، قدرتش به ضعف می گراید و قامتش خم م ی‌گردد (آیا تعقل نمی‌آند؟
نکته‌ها:

در آیات قبل خداوند فرمود: اگر بخواهیم چشم را نابینا و قیافه‌ها را دگرگون م ی‌انیم؛ این آیه

یاسین تفسیر سوره

نمونه ای از این دگرگونی را در مورد سالمندان بیان می آند.
به معنای واژگون آردن و مراد از آن بازگشت انسان به حالت آودآی است « تنکیس » از « ننگسه »
علمش به جهل و فراموشی تبدیل می شود، قدرتش رو به ضعف می رود و سعه ی صدرش به زود
رنجی می رسد، حساسیتش زیاد و اشکش روان می شود.
فرصت طلایی جوانی را از دست ندهید، همیشه شاداب و فارغ نخواهید بود و قدرت و توانایی
شما همیشگی نیست. در حدیث می خوانیم: پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بدان: جوانیت را
قبل از پیری، سلامت را قبل از بیماری، ب نیازی را قبل از فقر، زندگی را قبل از مرگ و فراغت را
قبل از گرفتاری (تفسیر نمونه).

چنین گفت روزی به پیری جوان ی
آه چون است با پیریت جوانی
بگفتا در این نامه حرفی است مبهم
آه معنیش جز وقت پیری ندانی
تو به آز توانایی خویش گوی ی
چه م یپرسی از دوره ناتوانی
متاعی آه من رایگان دادم از دست
تو گر م ی توانی مده رایگانی
پیام ها:

« و مَنْ نَعْمَرَهُ . » ۱ - عمر طولانی به دست خداست
« نَعْمَرَهُ نَنكْسَهُ . » ۲ - سنّت خداوند بر آن است آه پیری همراه با شکستگی باشد
و هم به فکر ضعیف « طمسنا، مسخنا » ، ۳ - انسان هم باید به فکر از دست رفتن نعم تنها باشد
« نَنكْسَهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ . » شدن آنها

« ۶۹ آیه »

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذَارٌّ وَقُرْءَانٌ مُّبِينٌ « ۶۹ »
و ما به او (پیامبر) شعر نیاموختیم و سزاوار او نیز نیست، آن چه به او آموختیم (جز مایه ی ذار
و قرآن روشن نیست).

نکته ها:

یکی از تهمت هایی آه به پیامبر آرم صلی الله علیه وآله م می زندند، علاوه بر ساحر و مجنون و
آهن بودن، تهمت شاعر بودن بود، در حالی آه:
شعر بر خاسته از تخیل است، بر خلاف وحی.
شعر بر خاسته از عواطف و احساسات است، بر خلاف وحی.
شعر معمولاً آمیخته با اغراق است، بر خلاف وحی.
گرچه قرآن دارای جملات موزون و مقطّع همچون شعر است، اما عنصر اصلی شعر آه تخیل
است، در قرآن راهی ندارد.
البته در مورد شعر و شاعری تندروی و بی انصافی شده و توجهی به شاعران متعهد نشده

یاسین تفسیر سوره

است، در حالی آه شعر در جای خود بسیار سازنده و اثر گذار است و علاوه بر آنکه شاعران متعددی همچون حسان و فرزدق و دعبل مورد توجه و عنایت امامان معصوم بوده اند، از آن بزرگواران مجموعه شعرهایی نیز به دست ما رسیده است (تفسیر نمونه).

ذآر قدرت و قهر خدا، یاد الطاف و نعمت های او، یاد عفو و « اِن هُوَ الْاَذَّارُ . » قرآن، جز ذآر نیست مغفرت او، یاد سنت ها و قوانین او، یاد انبیا و اوصیا و اولیای او، یادی از تاری خهای پر عبرت، یادی از عوامل عزت و سقوط امت ها، یادی از نیکوآاران و هدایت شدگان، یادی از تب هآاران و آفران و فاسقان و مجرمان و ستمگران و عاقبت آنان، یادی از اخلاص ها، ایثارها، شجاعت ها، انفاق ها، صبرها و پایان نیک آن، یادی از قت لها، شکنجه ها، اذیت ها، تهمت ها، تحقیرها، حق آشی ها و به استضعاف آشیدن ها و عاقبت شوم مستکبران، یادی از اوامر و نواهی و مواعظ و حکمت ها، یادی از آفریده های آسمانی و زمینی و دریایی، یادی از آینده تاریخ و پیروزی حکومت حق و پر شدن جهان از عدل و داد و محکومیت ظلم و ستم، یادی از برزخ و معاد و حوادث قبل از قیامت و چگونگی صحنه های قیامت و خطرات دوزخ و نعم تهای بهشتی . آری، تمام قرآن به نحوی تذآر و یادآوری « اِن هُوَ الْاَذَّارُ . » است پیام ها:

۱- در قرآن، سخن از نفی ارزش شعر برای عموم نیست، بلکه سخن از نفی شعر از شخص

« و ما علمناه الشعر . » پیامبر است

« و ما علمناه الشعر . » ۲- خداوند از تهمت به انبیا دفاع می آند

« و ما علمناه الشعر . » ۳- ندانستن شعر به ارشاد مبلّغ ضرری نمی زند

۴- رندهای نابجا و فضاهای فرهنگی غلط شما را متزلزل نکند). در زمان پیامبر مسأله شعر جایگاهی بیش از متعارف داشت و شعر و شاعری در رأس امور بود . این آیه آیهت آن را شکست.

« و ما علمناه الشعر »

« ما علمناه الشعر . » ۵ - طبع شعر از سوی خداوند است

« علمناه . » ۶ - معلم پیامبر، خداوند است

... « و ما ینبغی له . » ۷ - هر علمی، برای هر آس سزاوار نیست

« اِن هُوَ الْاَذَّارُ . » ۸ - قرآن، مایه تذآر و یادآوری است

۹ - محتوای قرآن مطابق با فطرت انسان است و قرآن وجدان انسان و فطرت غبارآلود او را بیدار

« اِن هُوَ الْاَذَّارُ . » می آند

« قرآن مبین . » ۱۰ - قرآن، آلامی روشن و قابل فهم و استدلال است

« ۷۰ آیه »

لِيُنذِرَ مَنْ اَنْ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ » ۷۰

(این قرآن برای آن است آه (تا هر آس زنده) دل (است، هشدارش دهد و) حجت را بر آفران

تمام آند (و گفتار خدا درباره آنان محقق گردد.

نکته ها:

حیات چند نوع است:

یاسین تفسیر سوره

سوره روم، آیه ۱۹ « یحیی الارض بعد موتها . » ۱- حیات نباتی خداوند زمین را) با رویاندن گیاهان (زنده می آند.

سوره بقره، آیه ۲۸ « (آنتم امواتا فاحیاءم . » ۲- حیات حیوانی شما مرده بودید پس او شما را زنده آرد.

سوره انفال، آیه ۲۴ « (دعاآم لما یحییکم . » ۳- حیات فکری پیامبر شما را به چیزی دعوت م یآند آه) دل های مرده (شما زنده می آند.

سوره بقره، آیه ۱۷۹ « (و لکم فی القصاص حیاء . » ۴- حیات اجتماعی

حیات) سیاسی و اجتماعی شما آه در سایه امنیت بدست می آید (در قصاص و انتقام به حق است.

آیه مورد بحث (قرآن افرادی را آه دارای دلهای زنده « (لئنذر من آن حیاء . » ۵ - حیات قلبی و روحی و روح های پاک و آماد هاند هشدار می دهد.

آری، مؤمنان انسان های زنده دل و برخوردار از حیات واقعی و معقولند و آفران همچون مردگان محروم از حیات واقعی.

انسان عاقل است) .تفسیر نورالثقلین « حیاء » بر اساس روایات، منظور از

آمده، در « یحق القول علی الکافرین » مسئله قهر حتمی خداوند بر آفران آه در این آیه با جمله

« و لکن حقت ألمة العذاب علی الکافرین : » سوره زمر آیه ۷۱ نیز مطرح است

هشدارهای قرآن از سرچشمه علم الهی است . هشدارهای قرآن متنوع، معروف و حکیمانه

است . هشدارهای قرآن همراه با بشارت و شیوه های ابتکاری است . هشدارهای قرآن همراه با

نمونه های عینی در زمین و زمان است.

هم می تواند قرآن باشد، هم می تواند پیامبر آرم صلی الله علیه ، « لئنذر » انذار دهنده در این آیه

وآله باشد آه در آیه قبل مطرح بود.

پیام ها:

« ان هو الا ذآر ... لئنذر . » ۱- هشدارهای قرآن، مایه ی تذآر و تنبه است

« لئنذر من آن حیاء . » ۲- نشانه ی زنده دلی، پذیرش هشدارهای قرآن است

« لئنذر من آن حیاء . » ۳- هدایت پذیری از قرآن، در انحصار قوم و نژاد خاصی نیست

و . « ۴- هدف از وحی و بعثت انبیا، بیداری و هوشیاری زند هدلان و اتمام حجت با مرده دلان است

« یحق القول علی الکافرین

« من آن حیاء . » ۵- در سنگدلان حتی آلام خداوند اثر ندارد

« الکافرین ، ، « من آن حیاء » ۶- آقار و آسانی آه حق را نپذیرند، مردگانی بیش نیستند) . در برابر

آمده است.)

« یحق القول علی الکافرین . » ۷- وعده قهر الهی برای آفران، آلام قطعی خداست

« ۷۱ » آیه

« أولکم یرواؤنا خلقنا لهم ممآ عملت ایدینا أنعاماً فهم لهما مالکون » ۷۱»

آیا ندیدند آه ما از آن چه با قدرت خود به عمل آوردیم برای آنان چهارپایانی آفریدیم آه آنان مالک

یاسین تفسیر سوره

آن هستند؟

پیام ها:

۱- انسان می تواند برای شناخت قدرت خدا، از توجه به موجوداتی آه در دسترس اوست آموک
... «اولم یروا .» بگیرد

۲- یکی از شیوه های تربیتی قرآن، به فکر واداشتن و متوجه ساختن و حساس آردن انسان به
... «اولم یروا .» مسائل اطرافش می باشد

« خلقنا لهم .» ۳- آفرینش چهارپایان) همچون گاو و گوسفند و شتر و (... برای انسان است
۴- از نشان ههای لطف خداوند همین بس آه انسان در پیدایش حیوانات نقشی ندارد، ولی به

«ایدینا ... فهم لها مالکون .» راحتی مالک آنها م ی شود

«فهم لها مالکون .» ۵- اصل مالکیت، مورد قبول اسلام است

«۷۲ آیه»

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَأَوْهُمْ وَمِنْهَا يَأْتُونَ ۷۲»

و چهارپایان را برای آنان رام آردیم، از برخی سواری می گیرند و از برخی تغذیه می آند.

«۷۳ آیه»

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ۷۳»

و در آنها بهره های دیگری نیز) از قبیل پشم و آرک (و نوشیدنی ها برای مردم است . پس چرا) با
این حال (سپاس نمی گزارند؟!)

نکته ها:

وجود حیوانات اهلی، یکی از نعمت های الهی است آه امکان استفاده از آنها را برای انسان
فراهم می سازد . اگر گاو و گوسفند وحشی بودند، دنیای لیبیات با همه ی منافی آه دارد به روی
اگر هم هی حیوانات وحشی بودند، بسیاری از « ذلنناها لهم ... و منها یألون .» انسان بسته می شد
« ذلنناها لهم فمنها رأوبهم .» سفرها انجام نمی گرفت

لباس انسان نوعاً از حیوانات است . از پشم، صنعت قالی و پتوبافی و آرخانجات نساجی به راه
می افتد . آفش انسان از پوست حیوانات است . برای استفاده از پوست حیوانات آرخانجات چرم
سازی به راه م ی افتد و آیف و آفش و آلاه و ... تولید می شود . غذای انسان از شیر و گوشت
« و لهم فیها منافع .» حیوانات است

نقش حیوانات در آشاورزی بسیار مهم است) . شخم زدن، آب آشی، آود طبیعی، مصرف
فیها منافع . « علف های هرز، حمل بار و محصولات و آوبیدن خرمن از منافع حیوانات برای بشر است
« و مشارب

.سوره ملک، آیه ۱۵ « (و الارض ذلولاً) ، هم زمین ذلول است

ان الانسان . « اما انسان آه به هر دو محتاج است، طافی است « ذلنناها ، و هم حیوانات

.سوره علق، آیه ۶ « (لیطفی

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

پیام ها:

یاسین تفسیر سوره

«منها را وبهم و منها یا آلون . « ۱- هر چیزی دارای فایده و برای هدفی آفریده شده است و منها . « ۲- گیاه خواری مورد مدح اسلام نیست و در مورد مصرف گوشت سفارش شده است «یا آلون
۳- شیر، نعمت ویژه ای است آه باید برای آن شکر آرد). با اینکه شیر جزو منافع حیوانات است، و لهما فیها منافع و .) « تا نشانه ویژگی آن باشد « مشارب « ولی نام آن به خصوص برده شده «مشارب
۴- شکر، نتیجه ی معرفت است . اگر سرچشمه نعمت ها را بشناسیم، سپاسگزار او خواهیم بود.
« خلقنا، ذللناها - أفلا یشکرون »

«اولم - ... أفلا یشکرون . « ۵ - با سؤال، فطر آنها و عواطف خفته را بیدار کنیم

« ۷۴ آیه

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصَرُونَ « ۷۴ »

و به جای خداوند (خدایانی را) به پرستش (گرفتند، به این امید آه یاری شوند.

« ۷۵ آیه

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ « ۷۵ »

(در حالی آه آن (خدایان، توان یاری آنان را ندارند ولی این بت پرستان برای آن بت ها لشگری آماده اند.

« ۷۶ آیه

فَلَا يَخْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يَسِرُونَ وَمَا يَغْلِبُونَ « ۷۶ »

پس سخنان مشرآن تو را محزون نکند، ما آن چه را پنهان م ی دارند و آن چه را آشکار می آند می دانیم.

پیام ها:

« أفلا یشکرون واتخذوا من دون الله آلهة . « ۱- شرک و بت پرستی آفران نعمت است
« واتخذوا من دون الله آلهة لعلهم ينصرون . « ۲- بت پرستی، بر اساس خیال ها و موهومات است
« لعلهم ينصرون . « ۳- یکی از ریشه های پرستش، احساس مددخواهی و پناه جویی است
« لا يستطيعون نصرهم . « ۴- در گفتگو با منحرفین، سرچشمه ی عقاید آنان را نشانه بگیرد
۵- آیفرا آسی آه به جای مطالعه در نعم آنها و شکر الهی به سراغ ب آنها برود، احضار برای ورود
« محضرون . « به دوزخ است

« و هم لهم جند محضرون . « ۶- قیامت نمایشگاه رسوایی انسان های آفر و بت پرست است
« فلا یخزینک . « ۷- انبیا نیز به تقویت روحیه نیاز دارند و خداوند به آنان دلداری م ی دهد
« فلا یخزینک قولهم . « ۸- معمولاً هر آس هدف بلند دارد مورد انواع تهاجم قرار می گیرد
۹- سینه فراخ و دل آرام، نیازمند مدد الهی است . مبلغ با تسکین های خداوند روحیه می گیرد.
... « فلا یخزینک قولهم انا نعلم »

۱۰- توجه به علم و آگاهی خداوند، بهترین وسیله آرامش برای مؤمن و تهدید برای منحرف است.
« نعلم ما یسرون و ما یعلنون »

یاسین تفسیر سوره

«یسرون، یعلنون . « ۱۱ - دشمنان در پنهان و آشکار توطئه ها می آند

« ۷۷ آیه

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ « ۷۷ »

آیا انسان ندید (و نیاندیشید (آه ما او را از نطفه ای) بی مقدار (آفریدیم؟ پس اینک ستیزه جویی آشکار شده است.

« ۷۸ آیه

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ « ۷۸ »

و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش آرد؛ گفت :چه آسی این استخوان ها را در حالی آه پوسیده است زنده خواهد آرد؟

« ۷۹ آیه

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ « ۷۹ »

(به او (بگو :همان آسی آه بار اول آنها را آفرید،) بار دیگر (آن را زنده خواهد آرد و او بر هر آفرینشی آگاه است.

« ۸۰ آیه

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ « ۸۰ »

(اوست (آن آه برای شما از درخت سبز، آتش آفرید پس هرگاه بخواهید از آن آتش می افروزید. نکته ها:

یکی از مشرآن، قطعه استخوان پوسیده ای را در برابر پیامبر آرم صلی الله علیه وآله خورد آرد و بر زمین ریخت و گفت :چه آسی این استخوان های پوسیده را زنده می آند؟ این آیات در پاسخ این شبهه و سؤال نازل شد . تفسیر نورالثقلین .

مقصود از درخت در این آیه، دو نوع چوب آتش زنه به نام مَرخ و عَفار است آه عرب ها با زدن یکی به دیگری جرقه تولید می آردند، درست مانند آبریت های امروزی) . تفسیر راهنما.

تهیه آتش از درخت سبز، مثالی است آه عوام م یفهمند ودانشمندان نیز به خاطر ذخیره شدن «من الشجر الاخضر نارا . « انرژی در درخت، راه علمی آن را به دست م ی آورند

هم نشانه قدرت خداوند است آه از نطفه ای پست و آوچک انسانی با اراده و با « خصیم مبین » شعور و قدرتمند آفریده و هم نشانه فراموشکاری و غرور انسان است آه به صاحب نعمت خود پشت آرده و با قدرتی آه خداوند در اختیار او قرار داده به مجادله و مخاصمه با او می پردازد. خداوند در آیات متعدد قرآن، انسان را در چند امر اساسی موجودی فراموشکار معرفی م ی آند، از جمله:

سوره توبه، آیه ۶۷ « (نسوا الله . « ۱ - آفریدگار خود

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

سوره یس، آیه ۷۸ « (نسی خلقه . « ۲ - آفرینش خود

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

سوره بقره، آیه ۴۴ « (تنسون انفسكم . « ۳ - هویت خود

یاسین تفسیر سوره

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

سوره ص، آیه ۲۶ « (نسوا يوم الحساب . « ۴ - روز حساب

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مائده، آیه ۱۳ « (نسوا حظاً مما ذاروا به . « ۵ - پند و موعظه دلسوزان

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

پیام ها:

اولم یر الانسان . « ۱... اگر انسان به یاد ضعف و حقارت خود باشد، هرگز گردنکشی نم ی‌آند

« خصیم

«من نطفه . « ۲ -توجه به آفرینش انسان از نطفه، ایمان به معاد را در انسان تقویت م ی‌آند

« خصیم مبین . « ۳ -بدتر از اصل خصومت با حق، آن است آه خصومت شدید و آشکارا باشد

برای « اذا « آلمه « (فاذا هو خصیم . « ۴ -ستیز هجوئی انسان با خدا، دور از انتظار و شگف تاور است

آر غیر منتظره به آر م ی‌رود).

«ضرب لنا مثلاً . « ۵ - نقل و بیان افکار باطل برای پاسخگوئی به آن مانعی ندارد

۶ -ریش هی پاره ای از اشکالات در مورد قدرت خداوند، توجه نکردن به نمونه های مشابه و فراموش

«و نسی خلقه . « آردن سوابق است

«من یحیی العظام . « ۷ -منکران معاد برهان ندارند، هر چه هست استبعاد است

۸ - آزادی در اسلام به قدری است آه منکران خدا و معاد با آمال شهامت در برابر رهبر مسلمین با

«من یحیی العظام . « صراحت حرف خود را می زنند

«من یحیی العظام . « ۹ -سؤال مانعی ندارد و آن چه بد است انگیزه های لجوجانه و مغرورانه است

من یحیی . « ۱۰ - ریش هی بعضی از اشکالات عقیدتی، مقایسه میان قدرت انسان با خداوند است

«العظام

«قال...قل . « ۱۱ - شبهات عقیدتی باید پاسخ داده شود، گرچه القای شبهه از یک نفر باشد

«یحیی العظام . « ۱۲ - معاد جسمانی است

۱۳ - زنده شدن مردگان به دو چیز نیاز دارد :قدرت خدا در آفریدن دوباره انسان ها و علم او به ذرات

هو بکلّ « نشانه ی قدرت او و « أنشأها اول مرّة . « پخش شده در خاک .این آیه به هردو اشاره م ی‌آند

نشانه ی علم اوست « .خلق علیم

امکان معاد

در طول تاریخ، هیچ آس دلیل علمی بر نبودن معاد نیاورده است .تنها چیزی آه مخالفان معاد

زمزمه م ی‌آند آن است آه مگر می شود انسان مرد های آه ذراتش پوسیده و پخش شده است بار

دیگر زنده شود؟ آیا این محال نیست؟

پاسخ عقل و قرآن آن است آه بدون شک و تردید این آر شدنی است؛ زیرا اولاً دلیلی بر ردّ آن

نیست وثانیاً در هر شبانه روز نمون ههایی از زند هشدن مردگان را به چشم خود می بینیم .

گرچه استدلالهای ما از قرآن است، ولی قرآن فکر و عقل ما را دعوت به اندیشه می آند و

می گوید :آیا آسی آه نمونه های آرش را روز و شب و در هر فصل و سال مشاهده م ی‌آنید، باز

یاسین تفسیر سوره

جایی برای استبعاد و انکار وعده او وجود دارد؟!

امام جواد علیه السلام می فرماید: خوابیدن و بیدار شدن، بهترین نمونه ای است آه مردن و زنده شدن را برای ما قابل درک می آند. آری! مرگ شبیه یک خواب طولانی و عمیق است. بهار و پائیز درختان، نمون هی دیگری از زنده شدن و مردن گیاهان است، در سوره فاطر می خوانیم: خداست آه بادها را می فرستد تا ابرها را برانگیزد و آن را به مناطق مرده روانه م ی آند و پس از سوره فاطر، آیه ۹ « (أَذَلِكَ النُّشُورُ : « باریدن، آن دیار مرده را زنده می آند، سپس می فرماید یعنی زنده شدن مردگان هم مانند زنده شدن درختان و گیاهان است. سوره ق، آیه ۱۱ « (وَ أَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا أَذَلِكَ الْخُرُوجُ : « در جای دیگر می فرماید ما به واسط هی باران سرزمین مرده را زنده آردیم، همچنین است خروج شما در قیامت. بنابراین، نمونه های زنده شدن در آفرینش و جهان هستی هر روز و شب و هر سال و فصل در برابر چشم ما است و مسأله زند هشدن مرده) با آن همه عظمت (را برای ما ساده و ممکن جلوه می دهد.

نمونه های دیگر برای امکان معاد

قرآن برای اثبات اینکه زنده شدن مردگان آرز محالی نیست، نمون ههای فراوانی را بیان می آند، از جمله:

الف: شخصی استخوان پوسیده ای را از دیوار آند و با فشار دست آن را پودر آرد) و با یک دنیا غرور و نخوت (به رسول خداصلی الله علیه وآله گفت: آیست آه دوباره این استخوان پوسیده متلاشی سوره یس، « (قَلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ : « شده را زنده آند؟ خداوند به پیامبرش م ی فرماید ۷۹ - آیه ۷۸.

به او بگو: همان خدایی آه مرتبه اول او را آفریده، بعد از متلاشی شدن هم می تواند دوباره آن را خلق آند.

اگر سازنده آلالایی بگوید آه من قطعات محصول خود را از یکدیگر جدا آرده و دوباره به هم متصل می آنم، سخن گزافی نگفته، زیرا ساختن از باز آردن و دوباره بستن مهم تر است.

ب: حضرت عَزِيزِ عَلَيْهِ السَّلَام) بعضی نام آن پیامبر را چیزی دیگری گفت هاند، ولی معروف همان عَزِيزِ است.

در سفری از آثار آبادی خراب شد های عبور می آرد، از روی تعجب) نه انکار (پرسید: چگونه خدا اینها را پس از مرگ زنده م ی آند؟! خداوند همانجا جان او را گرفت و بعد از صد سال زنده آرد و از او پرسید: چقدر در اینجا مانده ای؟ آن پیامبر گفت: یک روز یا نصف روز.

خداوند فرمود: تو صد سال است آه اینجا هستی، به الاغی آه سوارش بودی و غذایی آه همراه داشتی نگاه آن و قدرت خدا را دریاب آه چگونه الاغ، مرده، پوسیده و متلاشی شده، ولی غذایی

آه باید بعد از یکی دو روز فاسد شود، صد سال است آه سالم نگاهداری شده است، حالا برای

اینکه زنده شدن مردگان را با چشم خود ببینی نگاهی به همین استخوان های پوسیده ی الاغ آن آه در جلو چشم تو آن را از زمین بلند و گوشت، پوست و روح را به او بر می گردانیم تا برای آیندگان نشانه و درسی باشد.

یاسین تفسیر سوره

آن حضرت زمانی آه زنده شدن الاغ و سالم ماندن غذای صد ساله را دید گفت: می دانم آه خدا بر
هر آاری قدرت دارد (سوره بقره، آیه ۲۵۹)

ج: حضرت ابراهیم علیه السلام از آثار دریایی می گذشت، لاشه ای را دید آه گوشه ای از آن در
دریا و قسمت دیگرش در خشکی قرار داشت و حیوانات دریایی و صحرایی و پرندگان بر سر آن
ریخته و هر ذره ای از آن را یک نوع حیوانی می خورد.

همین آه این منظره را دید از خدا پرسید: روز قیامت چگونه مردگان را زنده می آنی؟ در حالی آه
ذرات این لاشه در دریا و صحرا و فضا پخش شده و هر قسمت بدنش جزو بدن حیوانی گردیده
است (خداوند از ابراهیم پرسید: آیا ایمان به معاد و قدرت من نداری؟ گفت: چرا ولی با مشاهده ی
عینی، آرامش دل پیدا می آنم.

آری، استدلال و منطق تنها مغز و فکر را آرام می آند، ولی تجربه و مشاهده دل را اطمینان
می بخشد.

خداوند به ابراهیم فرمود: چهار نوع پرنده را بگیر و پس از ذبح و آشتن، گوشتشان را در هم مخلوط
آن و بر بالای چند آوه بگذار و سپس یک یک آن پرندگان را صدا آن و ببین چگونه ذرات مخلوط، از
هم جدا شده و در آثار هم قرار می گیرد و به شکل پرنده ی اول ساخته می شود.

حضرت ابراهیم علیه السلام خروس، آبوتر، طاووس و الاغ را گرفت و ذبح نمود و گوشتشان را
آوبیده و در هم مخلوط آرد و بر سر ده آوه نهاد، سپس هر یک از آن پرندگان را صدا زد، تمام ذرات
گوشت آنها آه بر سر هر قله آوه ای بود، به هم متصل شد و در برابر چشمان او به صورت همان
چهار پرنده آمل در آمدند (سوره بقره، آیه ۲۶۰)

آری، خداوند برای امثال حضرت ابراهیم آه در آلاسهای ابتدایی و متوسطه قبول شده اند، مرحله ی
بالاتری دارد و آنان را به آزمایشگاه های مخصوص خود در نظام هستی می برد، ولی برای آسانی
امثال ما آه از یلّ ههای اول هم بالا نرفته ایم، از مقام شهود، حضور، معراج، ملکوت (باطن عالم و)
یقین خبری نیست.

بنابراین وسوسه ی منکران معاد در دو چیز است:

وقالوا إِذَا آنا عِظَاماً وَ رُفَاتاً ءَاآنا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقاً ؟ « اول اینکه آیا می شود استخوان پوسیده زنده شود
سوره اسراء، آیه ۴۹ . می گویند: آیا هنگامی آه ما استخوان های پوسیده و پراکنده ای « (جدیدا
شدیم، دگر بار آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟!

دوم اینکه بر فرض زنده شدن استخوانهای پوسیده ممکن باشد، این آر توسط چه آسی انجام
سوره اسراء، آیه ۵۱ . می پرسند « (فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ؟ « خواهد گرفت
چه آسی دوباره ما را برم یگرداند؟ به آنها بگو: همان خدایی آه بار اول شما را آفرید.

آسانی آه اینقدر بهم پیوستن اجزای متلاشی مردگان و زنده شدن آنها را بعید می دانند، چرا در
اصل آفرینش شکی ندارند؟ اصل آفرینش آه از دوباره آفریدن مشک لتر است! اگر یک آارگر ساده
خشت مال بگوید آه من خشت خودم را خرد می آنم و دوباره از نو از همان خاک، خشت تازه ای
می سازم، آیا اینقدر تعجب می آند؟! اگر آسی آه هواپیما می سازد بگوید: من این هواپیما را باز
می آنم و درهم می ریزم و دوباره می سازم، آیا باید در سخن او شک آرد؟ هرگز، زیرا بازآردن و

یاسین تفسیر سوره

بستن به مراتب از ساخت اول آسانتر است و آبی آه آه مشکلی انجام داد، آه آسانتر را هم می تواند انجام دهد). گرچه نزد خدا و قدرت بی نهایت او هیچ چیز مشکل نیست.)
به سراغ قرآن م یرویم آه در این زمینه می فرماید :او_____ خدایی است آه خلق و آفرینش را پدید آورد

هُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ . « و سپس آن را باز م یآورد و باز آوردن حتی در نظر شما آسان تر است .سوره روم، آی ه ۲۷ » (يُعِيدُهُ وَ هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم
باز هم چند مثال ساده دیگر بیاوریم آه چگونه از ذرات پخش شده و بی جان، موجودات جاندار و بی جان ساخته می شود:

۱- گاو علف م یخورد و از ذرات علف شیر بیرون م یآید.

۲- انسان قطعه نانی میل م یآند و از درون آن اشک، خون، استخوان، مو، ناخن و گوشت و... ساخته می شود.

۳- مشک دوغی را مکرر تکان می دهید، سپس ذرات پخش شده چربی همه یکجا و بر روی آن جمع م یشود.

چگونه قبول می آید آه دستگاه گوارش گاو بتواند شیر را از علف بیرون آشد و شما بتوانید با حرارتی آه به مشک می دهید ذرات پخش شده ی چربی را جمع نمایید، اما همین آه می شنوید
۲۰- سوره زلزال، آیه ۱ « (إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا » : خدا زمین را حرارت م یدهد

و ذرات استخوان های پوسیده ی ما را از هر جایی آه باشد یک جا جمع م یآند، قبول نمی آید؟
در پایان این بحث، چند آیه ی ساده و آواته را متذآر می شوم، از جمله:

سوره اعراف، آیه ۲۹ « (أَمَا بَدَأْنَا تَكُونُ * »

همان گونه آه شما را در آغاز پدیدآورد، زنده می آند.

سوره واقعه، آیه ۶۲ « (وَ لَقَدْ عَلَّمْتُمُ النَّشَأَ الْأُولَىٰ قُلُوبًا تَذَآرُونَ * »

ای منکران معاد! شما آه به آفرینش نخستین آگاهی دارید، پس چرا پند نمی گیرید و باز لجاجت می آید؟

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ * »

۸۰- سوره طارق، آیه ۵ « (لِقَادِرِ

باید انسان بنگرد آه از چه خلق شده، از آبی جهنده آفریده شده آه این آب جهنده از میان آه و دنده ها بیرون می آید .آری، خدایی آه شما را از چنین آبی آفرید از برگردانیدن انسان و دوباره زنده آردنش تواناست.

سوره قیامت، آی ه ۴۰ « (أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ * »

آیا خدایی آه شما را از نطفه آفرید، نم ی تواند دوباره مردگان را زنده آند؟

سوره ق، آیه ۱۵ « (أَفَعَبِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ * »

مگر ما از خلقت اول وامانده شدیم آه) آه قادر بر آفرینش رستاخیز نباشیم (ولی با این همه دلائل روشن، باز از خلقت جدید در شک و شبهه افتاده آند.

یاسین تفسیر سوره

سوره اسراء، آیه ۹۹ « (أَوْلَم يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ * »
آیا مشاهده نم‌ی‌آند خدایی آه آسمان ها و زمین را آفرید، م‌ی‌تواند مثل ایشان را نیز بیافریند؟
سوره مریم، آیه ۶۷ « (أَوَلَا يَذَّارُ الْإِنْسَانَ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا * »
آیا آسی آه معاد را باور ندارد به یاد ندارد آه ما از اوّل او را آفریدیم در حالی آه هیچ نبود؟
چون بنای این نوشتار بر فشرده گویی است، بنابراین از نمونه های دیگری آه در قرآن آمده و از
ماجراهایی نظیر داستان اصحاب آهف آه بیدارشدن یک عده جوانمرد خدانشناس بعد از ۳۰۹ سال
خواب است، صر فنظر می آئیم.

« ۸۱ آیه

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ « ۸۱ »
آیا آسی آه آسما نها و زمین را آفرید، توانا نیست آه مثل آنها را بیافریند؟ آری، می تواند (و او
آفریدگار بسیار داناست.

نکته ها:

انسان مرآب از جسم و روح است؛ جسم انسان با مرگ متلاشی می شود و در حال حیات نیز
دائماً در حال تغییر است، ولی روح و شخصیت انسان ثابت است.

در قیامت روح انسان همان روح دنیوی است، ولی جسم انسان در قالبی مشابه قالب جسم
« یخلق مثلهم . « دنیوی او م‌ی‌باشد

پیام ها:

...«مَنْ يَحْيِي الْعِظَامَ...أوليس الذي . « ۱ -گاهی باید سؤال را با سؤال و یا با چند جواب، پاسخ داد

...«أو ليس الذي . « ۲ -سؤال راهی است برای بیدار آردن وجدان ها

۳ -در گفتگو با منکران، از مسائل آوچک آغاز آئیم تا به مسائل بزرگ برسیم). ابتدا نطفه، سپس

«خلق السموات .) « درخت سبز و آنگاه آفرینش آسما نها

۴ -چون آه صد آمد نود هم پیش ماست .آسی آه آسمان ها و زمین را آفرید م‌ی‌تواند انسان ها را

«خلق السموات...بقادر . « هم بیافریند

«هو الخلاق . « ۵ - آآر او خلق آردن است، چه در دنیا و چه در قیامت

«هو الخلاق العليم . « ۶ -دلیل معاد، علاوه بر حکمت و عدالت الهی، داشتن قدرت و علم اوست

« ۸۲ آیه

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ أَنْ فَيَكُونُ « ۸۲ »

پس بی درنگ موجود م‌ی‌شود « .باش : « چون چیزی را اراده آند، فرمانش این است آه بگوید

« ۸۳ آیه

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ أَلْ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ « ۸۳ »

پس منزّه است آسی آه حاکمیت و مالکیت همه چیزی به دست اوست و به سوی او باز

گردانده می شوید.

نکته ها:

از آن جا آه ایمان به معاد باید بسیار جدی و قوی باشد، هر گونه شبهه زدایی از آن باید طوری

یاسین تفسیر سوره

انجام گیرد آه ذر های خلل در ذهن باقی نماند. خداوند در پاسخ آسی آه استخوان پوسیده ای را ... «آئما امره اذا . « خورد آرد و به زمین ریخت، چندین جواب داد آه آخرین آن این آیه است وما امرنا الا واحده ألمح . « تحقق فرمان و اراد هی الهی زمان نمی خواهد، بلکه مثل یک نگاه است .سوره قمر، آیه ۵۰ « (بالبصر

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم

ندارد، زیرا این خود نیاز است و در شأن او نیست، بنابراین « آن « خداوند حتی نیاز به گفتن آلمه لا بصوت « همان اراده و حکم اوست .به فرموده ی حضرت علی علیه السلام « آن « مراد از آلمه نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶ « (یقرع و لابنداء یسمع

پیام ها:

«اذا اراد شيئاً . « ۱- برای خداوند، آفرینش همه اشیا یکسان است

آن . « ۲- خداوند در آفرینش، نه وسیله م یخواهد نه آمک و نه آسی آه موانع را برطرف آند
«فیکون

«آن فیکون . « ۳- میان اراده ی خدا و انجام آر هیچ فاصله ای نیست

فسبحان . « ۴- چگونه خدا را در برپایی قیامت عاجز می دانید؟ او از هر عجز و ناتوانی منزّه است
«الذی

بیده ملکوت . « ۵- هم مالکیت هستی به دست اوست و هم بازگشت همه چیز به سوی اوست
«آل ش یء و الیه ترجعون

«الیه ترجعون . « ۶- مرگ فنا و نیستی نیست، بلکه حرآت و بازگشت به سوی خداست

فسبحان الذی ..الیه . « ۷- خداوند از اینکه موجودی بی فایده و بی هدف بیافریند منزّه است
«ترجعون

«و الحمد لله رب العالمین»

پی نوشت ها__